

پیشروی در عمق

گروه پژوهش فصلنامه*

لشکر ۸ نجف در عملیات والفجر ۸ در مرحله دوم وارد عمل شد. اهمیت مأموریت لشکر نجف در این عملیات حفظ دستاوردهای مرحله اول عملیات، مقابله با پاتک های سنگین و پی در پی قوای دشمن و جلوگیری از پیشروی یگان های ارتش عراق به سمت فاو بود، که این لشکر با همکاری چند یگان دیگر از سپاه پاسداران، این مأموریت را به خوبی به پایان رساندند و با تشکیل خط پدافندی به ثبیت منطقه آزاد شده پرداختند.

راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در لشکر ۸ نجف آقای مهدی انصاری با ثبت و ضبط مراحل مختلف طرح ریزی، شناسایی، هدایت و اجرای این عملیات در همراهی با فرمانده این لشکر (برادر احمد کاظمی) و نیز جمع آوری اسناد و مصاحبه با تعدادی از دست اندرکاران مؤثر لشکر نجف در عملیات، پس از عملیات با استفاده از یادداشت ها، و نوارها و اسناد جمع آوری شده به تدوین گزارش آن پرداخت. اصل گزارش بصورت کامل در اسناد مرکز وجود دارد. در اینجا بخشی از گزارش مورد استفاده قرار گرفته است.

مأموریت

عملیات والفجر ۸ در عبور از رودخانه، شکستن خط، و پاکسازی ساحل دشمن و پیشروی در عمق سبب گردید برخی از یگان های با تجربه سپاه همچون لشکرهای ۸ نجف، ۱۴ امام حسین (ع) و ۲۷ حضرت رسول (ص) برای مرحله دوم عملیات، یعنی پیشروی در عمق و درگیری و مقابله با تمرکز قوای دشمن در نظر گرفته شوند. نکته دیگری نیز که درباره این تغییر مأموریت گفته می شد، ابهامات فرمانده لشکر نجف در مورد این عملیات بود.

بر اساس این ملاحظات، سرانجام قرارگاه کربلا در تاریخ ۱۳۶۴/۱۷/۱۸ مأموریت قطعی لشکر ۸ نجف را چنین ابلاغ کرد:

۱- در مرحله اول عملیات احتیاط منطقه لشکر ۳۱ عاشورا قرار

در طرح ریزی اولیه عملیات تصرف منطقه فاو، مأموریت لشکر ۸ نجف عبور از اروندرود و شکستن خط دشمن در جناح راست منطقه عملیاتی^۱ تعیین شده بود. در جریان بررسی و تکمیل طرح ریزی، در این مأموریت تغییراتی داده شد؛ از جمله، مأموریت این لشکر در مرحله اول عملیات و شکستن خط حذف شد. از دلایل این تغییر، مشکلات و کمبودهای لشکر نجف در تأمین نیرو، کادر و پشتیبانی بود که این لشکر در حد فاصل عملیات والفجر مقدماتی تا عملیات بدر گرفتار آن شده بود و از این جنبه در وضعیت مطلوبی قرار نداشت. دلیل مهم تری که برای این تغییر گفته می شد، اینکه پیچیدگی

برادر احمد کاظمی روز قبل از شروع عملیات،
 مأموریت و طرح مانور لشکر را
 برای فرماندهان گردان‌ها چنین توضیح داد:
 «ما یک مأموریت حتمی داریم که بستگی به
 یک سری عوامل دارد که عبارتند از:
 عبور از خط، رسیدن به هدف‌های اولیه و ثانویه،
 این تعیین‌کننده مأموریت حتمی ماست.
 اگر (قبل از شروع) مأموریت حتمی،
 به یک سری مشکلات برخوردیم، مثل اینکه
 لشکرهایی که بایستی در خط عمل کنند و
 یا لشکرهایی که باید برسند به هدف‌های قبل
 از مأموریت حتمی ما، مشکلاتی برایشان
 پیش آمد، ما خواه ناخواه بایستی برای
 تکمیل هدف‌های اولیه وارد عمل شویم تا
 بتوانیم زمینه مأموریت اساسی را فراهم کنیم،
 تا برسیم به هدف‌های اصلی.»

گرفته تا بنا به دستور در تأمین قسمتی از خط سبز به کار گرفته
 شوید.

۲- آماده باشید بنا به دستور در مرحله دوم عملیات در کنار
 لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) خط سبز هدف لشکر ۳۱ عاشورا
 و لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) را تأمین نمایید.

۳- آماده باشید در مرحله سوم به تنهایی و در مرحله چهارم با
 کمک لشکر ۳۱ از خط سبز عبور کرده و دشمن بعثی را در خط
 حد مشخص شده منهدم کرده و پدافند نمایید.

با توجه به اینکه لشکر نجف در مرحله اول عملیات در احتیاط
 لشکر عاشورا قرار داشت، هماهنگی بین دو لشکر ضروری بود،
 مخصوصاً اینکه برادر غلامپور (جانشین فرمانده قرارگاه کربلا)
 به برادر کاظمی گفت: امکان برخورد لشکر عاشورا و لشکر

کربلا با مشکلات هنگام شکستن خط وجود دارد، به برادر امین
 شریعتی (فرمانده لشکر عاشورا) در طرح و برنامه ریزی کارش
 کمک کن و او را تنها نگذار. برادر احمد ضمن استقبال از
 همکاری، جواب داد: لشکر عاشورا مال خود ماست، حتماً
 کمک خواهم کرد. در پی آن ضمن تبادل نظر بین فرماندهان و
 دیگر مسئولان دو لشکر، در موارد لازم هماهنگی انجام شد، از
 جمله:

- هماهنگی بین توپخانه دو لشکر نجف و عاشورا.
 - هماهنگی برای استفاده لشکر عاشورا از یگان زرهی لشکر
 نجف در مرحله اول عملیات.
 - کمک یگان دریایی لشکر نجف برای انتقال عده‌ای از نیروهای
 لشکر عاشورا در شب اول عملیات.
 - هماهنگی جهت استفاده لشکر عاشورا از اورژانس لشکر
 نجف در زمان عملیات.
 - هماهنگی برای استفاده از نهر "منطقه" و نهر شمالی آن جهت
 عبور نیروها و وسایل سنگین دو لشکر.
 - هماهنگی برای رفتن ۲ تیم شناسایی از لشکر نجف همراه
 نیروهای لشکر عاشورا در شب اول عملیات.
 در تعیین ترتیب انتقال وسایل سنگین، اولویت اول به لشکر
 عاشورا داده شد.

غیر از هماهنگی‌هایی که در موارد فوق صورت گرفت،
 مشکلاتی در زمینه تداخل نیروهای دو لشکر وجود داشت، مثلاً
 تعدادی از نیروهای لشکر عاشورا در محلی که قرار بود یگان
 دریایی لشکر نجف مستقر شود، استقرار یافته بودند، که تلاش
 لشکر نجف برای حل این قضیه به جایی نرسید؛ چون مسئولان
 لشکر عاشورا می‌گفتند چاره‌ای نداریم، جایی نداریم،
 مجبوریم آنها را اینجا بیاوریم، ... که اینگونه مسائل حل نشد.

سازمان رزم

نیروهای رزمنده پیاده لشکر نجف، برای اجرای این عملیات در
 ۵ گردان سازمان یافته بودند:

گردان چهارده معصوم (ع)، ۴ گروهان
 گردان حضرت رسول (ص)، ۴ گروهان

گردان قمر بنی هاشم (ع)، ۴ گروهان

گردان انبیا، ۴ گروهان

گردان علی اکبر (ع)، ۳ گروهان

لشکر نجف گردان دیگری به نام انبیا ۲ در اختیار داشت که نیروهای آن برای آموزش شنا به تهران اعزام شدند و چند روز قبل از عملیات به جنوب باز گشتند. در طرح مانور، مأموریتی برای گردان انبیا ۲ مشخص نشده بود، لذا قرار شد این گردان بعد از تثبیت خط، در پدافند خط مقدم به کار گرفته شود. گفتنی است که دو گردان انبیا و انبیا ۲ دارای فرمانده مشترک بودند. ضمناً یک گروهان از هر یک از گردان‌های لشکر در احتیاط همان گردان می‌باشد که بنا به درخواست فرمانده گردان به خط می‌آید و بنا به درخواست فرمانده گردان و دستور فرمانده لشکر وارد عمل می‌شود.

طرح مانور

بر اساس مأموریت ابلاغ شده به لشکر نجف که در مرحله اول در احتیاط لشکر عاشورا بود و در مرحله دوم تأمین خط عاشورا و لشکر علی بن ابیطالب (ع) را به عهده داشت، ترتیب ورود گردان‌های لشکر نجف در این دو مرحله مشخص شده تا در صورت لزوم وارد منطقه درگیری شده و به پیشروی و مقابله با دشمن بپردازند. برادر احمد کاظمی روز قبل از شروع عملیات، مأموریت و طرح مانور لشکر را برای فرماندهان گردان‌ها چنین توضیح داد:

«ما یک مأموریت حتمی داریم که بستگی به یک سری عوامل دارد که عبارتند از: عبور از خط، رسیدن به هدف‌های اولیه و ثانویه، این تعیین کننده مأموریت حتمی ماست. اگر (قبل از شروع) مأموریت حتمی، به یک سری مشکلات برخوردیم، مثل اینکه لشکرهایی که بایستی در خط عمل کنند و یا لشکرهایی که باید برسند به هدف‌های قبل از مأموریت حتمی ما، مشکلاتی برایشان پیش آمد، ما خواه ناخواه بایستی برای تکمیل هدف‌های اولیه وارد عمل شویم تا بتوانیم زمینه مأموریت اساسی را فراهم کنیم، تا برسیم به هدف‌های اصلی.» بنابراین مأموریت اصلی لشکر در مراحل سوم و چهارم عملیات

می‌باشد که خط حد آنها مشخص شده است. بر اساس این مأموریت کلی لشکر، مأموریت هر گردان به صورت زیر مشخص شد:

۱- گردان چهارده معصوم

این گردان اولین گردان لشکر نجف است که وارد عمل می‌شود. مأموریت و مانور آن از خط لشکر عاشورا آغاز می‌گردد که از آنجا شروع به پاکسازی و انهدام دشمن کرده و در سمت راست جاده دوم (جاده فاو - بصره) تاسه راهی کارخانه نمک پیشروی نموده و از سمت راست خود با لشکر امام حسین و از سمت چپ خود با گردان حضرت رسول (از لشکر نجف) الحاق می‌نماید. همچنین پدافند خاکریزی که از سه راهی کارخانه نمک در حد فاصل جاده دوم و اول احداث می‌شود، در جناحین جاده به عهده این گردان می‌باشد. با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شد در جریان پدافند از خاکریز مذکور، پاتک‌های اصلی دشمن به سمت خط گردان چهارده معصوم باشد و فشار بسیاری بر این گردان وارد شود، گردان‌های قمر بنی هاشم، حضرت رسول و انبیا به ترتیب مأموریت یافتند علاوه بر اجرای مأموریت اصلی، با طراحی مانور گروهانی، آماده پشتیبانی از گردان چهارده معصوم باشند.

۲- گردان حضرت رسول

پس از گردان اول، گردان حضرت رسول وارد عمل می‌شود، این گردان از سمت چپ جاده دوم شروع به پیشروی و پاکسازی مقرهای دشمن می‌کند به این صورت که دست راست خود را به جاده آسفالت داده و حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ متر در سمت چپ جاده گسترش پیدا کرده و با انهدام دشمن در این محدوده تاسه راهی کارخانه نمک پیش می‌رود و در آنجا ضمن الحاق با گردان چهارده معصوم (از سمت راست خود)، برای حفظ جاده کنار دیواره جنوبی کارخانه نمک، از دشمن جناح گرفته و در آنجا پدافند می‌نماید.

۳- گردان قمر بنی هاشم

این گردان سومین گردان از لشکر نجف است که وارد منطقه عملیاتی می‌شود و مأموریت دارد که از حاشیه خط لوله (وتر

گردان علی اکبر پشتیبان گردان انبیا در رسیدن به اهداف مشخص شده برای این گردان می باشد که در صورت نیاز به کمک گردان انبیا می شتابد.

استعداد و مأموریت واحدهای پشتیبانی لشکر ۸ نجف در
عملیات الفجر ۸

- واحد توپخانه لشکر با استعداد یک آتشبار ۳۰، یک آتشبار ۱۲۲ و دو قبضه توپ ۱۰۵، همراه با توپخانه لشکر عاشورا و توپخانه ارتش در مرحله اول پشتیبان لشکر عاشورا بودند و پس از آن لشکر نجف را پشتیبانی می کردند.

- واحد ادوات لشکر نجف شامل تفنگ ۸۲ (۲ قبضه)، تفنگ ۱۰۶ (۴ قبضه)، آر.پی. جی ۱۱ (۲ قبضه)، دوشکا (۲ قبضه)، مینی کاتیوشا (۱ قبضه)، خمپاره ۶۰ (۱۰ قبضه)، خمپاره ۸۲ (۳ قبضه)، خمپاره ۸۱ (۳ قبضه)، خمپاره ۱۲۰ (۳ قبضه) عملیات لشکر ا پشتیبانی می کرد.



حدالامکان سعی کنید بچه ها سبک باشند،

وسایل اضافی همراه برندارند،

پیاده روی زیاد دارند. این دو سه روز را

مرتب مانور و تمرین کنید. بی سیم چی هاتان را

همراه خود ببرید. کارهاتان را

امروز بررسی کنید که

چیزی از قلم نیفتد.

(۴ قبضه) و همچنین ۳ قبضه موشک تاو (مأمور از ارتش)

پشتیبانی لشکر را به عهده داشتند.

- یگان زرهی لشکر نجف در مرحله اول عملیات بایک گروهان

تانک پشتیبانی لشکر عاشورا را به عهده داشت و از شرق اروند

روی دشمن آتش اجرا می کرد. برادر احمد مأموریت یگان

زرهی را در مراحل بعدی عملیات چنین اعلام کرد: زرهی هر

ساعتی توانست باید تانک ها را از اروند عبور دهد و به سرعت

بیاید پشت خط و روی همه جاده ها تانک بگذارد. اگر

هلی کوپترهای دشمن هم تانک ها را بزنند اشکال ندارد بیاورید

جلو، می خواهیم تانک ها بسوزد که دشمن جلو نیاید. تانک ها

باید ببینند توی خط گردان ها بایستند، اگر هم آنها را زدند، برای

بچه ها سنگر می شود.

- واحد پدافند باهه کارگیری ۱۰ قبضه ضد هوایی و استقرار آن در

غرب و شرق اروند، عهده دار پوشش هوایی عقبه، اسکله و

لشکر بود.

- یگان دریایی با ۶۰ فروند قایق عهده دار انتقال نیروها از

اروند رود بود.

علاوه بر این، واحدهای تعاون، اورژانس، تدارکات و مهندسی

رزمی، هر یک در زمینه تخصص خود پشتیبانی عملیات

رزمندگان را به عهده داشتند.

کسب آمادگی

نظر به اینکه بخشی از نیروهای اعزامی به لشکر برای عملیات،

اولین بار بود که به جبهه اعزام می شدند و فاقد آموزش های

مقدماتی بودند، به ویژه اینکه عملیات عبور از رودخانه را در

پیش داشتند که با عملیات در خشکی متفاوت بود، بخش

عمده ای از توان لشکر صرف آموزش نیروها و آماده کردن زمین

منطقه شد.

فرمانده لشکر تأکید زیادی بر آموزش و مانور نیروها و آشنایی

آنها با منطقه عملیاتی و موقعیت جدید (نخلستان، باتلاق،

رودخانه) داشت، از این رو طی دستوری به فرماندهان

گردان ها بر آموزش و مانورهایی به شرح زیر به نیروهای پیاده

تأکید کرد:

- تمرین پیاده روی نیروها همراه همه تجهیزات لازم (آماده رزم)

در نخلستان در شب و روز.

- تمرین سوار و پیاده شدن نیروها همراه تجهیزات خود بر

کامیون (بنز و ایفا).

- آموزش حفظ سازمان در حین حرکت، سوار و پیاده شدن بر

قایق و خودرو.

- آموزش و تمرین هر نوع حرکت و اقدامی که در حین عملیات

با آن برخورد می شود. مثل احداث سنگرهای انفرادی، حمل

مجروح، استفاده از ماسک.

با توجه به کمبود کادرهای آموزشی و همچنین کمبود فرصت،

نیروهای رزمنده به طور نسبی و در حد ضرورت، آموزش دیدند

و تمرین کردند.

همچنین به واحدهای پشتیبانی دستور تمرین و آمادگی در زمینه

مسئولیت خود داده شد.

آماده سازی زمین

با مشخص شدن مأموریت قطعی لشکر نجف، از اواخر دی ماه

۱۳۶۴، کار آماده سازی عقبه و منطقه خودی برای عملیات

شروع شد. برای استقرار لشکر نجف دو منطقه در نظر گرفته

شده بود:

۱- شرق بهمن شیر (موقعیت حمزه ۱)

قسمتی از شرق رودخانه بهمن شیر در ۹ کیلومتری آبادان، که

روستای سبحان نام داشت، در اختیار لشکر نجف قرار گرفت،

تا عقبه اصلی خود را در آن مستقر کند. این محل که "حمزه ۱" نامگذاری شد، به علت اینکه تا مدتی قبل محل مسکونی بود، نیاز به کار مهندسی زیادی نداشت و فرصتی هم برای این کار نبود. فرمانده لشکر در تاریخ ۱۳۶۴/۱/۱۳ این منطقه را به قسمت های مختلف تقسیم کرد و محل استقرار هر گردان و واحدهای پشتیبانی کننده را مشخص کرد تا هنگام استقرار تداخل و اشکالی بروز نکند. موقعیت حمزه ۱ محل اصلی استقرار گردان های پیاده و واحدهای رزمی، قبل از رفتن به خط مقدم، و همچنین محل استقرار آشپزخانه، موتور، حمام، بهداشتی، ... و دیگر واحدهای پشتیبانی کننده بود.

با توجه به دستور فرمانده لشکر، قبل از تاریخ مذکور برخی واحدها محل استقرار خود را آماده کرده بودند. برادر احمد دستور انتقال گردان ها و دیگر واحدها را از تاریخ ۱۳۶۴/۱/۱۳ به این محل داد و بر سرعت بخشیدن به این کار تأکید نمود.

۲- شرق اروند (موقعیت سیدالشهدا(ص))

پس از تغییر مأموریت لشکر نجف، یکی از جزایر محل استقرار لشکر عاشورا در شرق اروندرود، واقع بین نهر "منطقه" و نهر شمالی آن، در تاریخ ۱۳۶۴/۱/۱۸، در اختیار لشکر نجف قرار گرفت و "موقعیت سیدالشهدا" نامگذاری شد. هر چند قبل از واگذاری این محل به لشکر نجف در آن کمی کارهای مهندسی شده بود ولی به دلیل وجود نهرهای فرعی متعدد، نخلستان، چولان و باتلاقی بودن زمین مشکلات زیادی برای استقرار تردد نیروها ایجاد می کرد، لذا از روزی که در اختیار لشکر نجف قرار گرفت، با توجه به کمبود فرصت، با تمام توان، کار مهندسی در آن شروع شد. اقدامات اصلی برای آماده سازی این منطقه جاده سازی، اسکله سازی و سوله سازی بود.

جاده سازی: در این منطقه که قبل از تجاوز عراق مسکونی بود، جاده های فرعی محدودی وجود داشته که مناسب برای رفت و آمد وسایل سنگین و ترافیک زمان عملیات نبود، به این دلیل جاده باریک و ناقصی که از جاده آبادان خسروآباد و عمود بر آن به داخل نخلستان وجود داشت، با ریختن خاک بسیار توسط کمپرسی ها و به کارگیری لودر و بولدوزر عریض شد و تا آخر

نخلستان ادامه یافت، سپس شن ریزی شده و با غلتک کوبیده شد.

این جاده قبل از شروع عملیات تا جایی که در استتار بود (۲۰۰ متری اروند) کشیده شده و مقدار زیادی هم خاک در آخر این جاده دپو شد تا با شروع عملیات، ادامه آن تا اروندرود تکمیل شود. علاوه بر این جاده اصلی، تعدادی جاده فرعی عمود بر این جاده کشیده شد که برای استفاده از نهرها و همچنین ساختن سوله ها در این نخلستان لازم بود، این جاده ها هم با خاک بسیاری که توسط کمپرسی ها در بین نخل ها ریخته می شد احداث می گردید.

اسکله سازی: برای انتقال نیروهای رزمنده، تجهیزات و وسایل نقلیه از منطقه خودی به منطقه دشمن، احداث اسکله در ساحل نهرها و ساحل اروند ضروری بود. به این منظور آخرین جاده فرعی (نزدیک ترین جاده فرعی موازی اروند) که از جاده اصلی منشعب و به کنار نهرها متصل می شد عریض و شن ریزی شده

سعی کنید این چند روز (باقی مانده به عملیات)

غذای مقوی به بچه ها بدهید. ان شاء الله اگر

موفق شدیم و خط شکسته شد،

عملیات یکی دو روز نخواهد بود،

بلکه مدت طولانی ادامه خواهد یافت.

مسئله مهمات رسانی، غذای رسانی در

خط خیلی مهم است، اگر ۲۰۰۰ نفر در

خط داشته باشیم باید ۶۰۰۰ غذا ببریم تا بتوانیم

با احتمالاتی که پیش می آید،

غذای ۲۰۰۰ نفر را برسانیم.

در این عملیات به علت زیر توپ و آتش بودن

عقبه، مشکلات زیاد است. اگر آشپزخانه ما در

حمزه ۱ زیر آتش رفت، ما فوری باید

بتوانیم جبران کرده غذا برسانیم.

و آخر آن که به نهر منطقه منتهی می شد، با خاکریزی و شن ریزی زیاد بالا آورده شد و توسط غلتک محکم گردیده و به این ترتیب اسکله ای برای عبور وسایل سنگین و به آب اندازی آنها آماده گردید. امتداد همین جاده که به نهر شمالی نهر منطقه منتهی می شد نیز محکم گردید و در آخر آن با پل های خیبری چند سکو زده شد تا افراد پیاده بتوانند از روی آن سوار قایق شوند. اسکله اصلی هم قرار شد بعد از شکستن خط و پاکسازی دشمن از ساحل اروند، در انتهای جاده اصلی که به اروند منتهی می گردد، احداث شود.

سوله سازی: به رغم فرصت خیلی کم و کمبود پلنت^۱، با تأکید بسیار فرماندهی لشکر و با تلاش پیگیر حاج جعفر یزدانی (که در همین عملیات به شهادت رسید)، تعدادی سوله برای فرماندهی، اطلاعات عملیات، اورژانس، یگان دریایی و محل

در این عملیات کمیت مطرح نیست، بلکه کیفیت مطرح است. اگر بچه های مردم را بدون جهت و بدون برنامه بردید و شهید شدند، خونش پای شماست. جمعیت دنبال خود نیاورید، سعی کنید افراد با کیفیت را بیاورید. فرمانده لشکر نجف امروز ترتیب اولویت انتقال وسایل سنگین از اروندرود را به نحو زیر به مسئول انتقال وسایل سنگین ابلاغ کرد:

۱- کمک به لشکر عاشورا برای انتقال وسایل لازم.

۲- انتقال وسایل و تجهیزات لازم برای ساحل سازی در غرب اروند.

۳- انتقال یک لودر و یک بولدزر.

۴- انتقال نفربرهای پی.ام.پی.

استقرار موقت نیروی پیاده ساخته شد.

انتقال گردان ها و واحدهای پشتیبانی به منطقه عملیاتی

۱- انتقال نیروها به پشت بهمن شیر (حمزه ۱)

طبق دستور قرارگاه خاتم الانبیا نقل و انتقال نیروها باید تا تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۲ انجام می گرفت، لیکن به دلیل مشکلات متعدد، فرمانده لشکر ۸ نجف در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۳ دستور انتقال گردان های پیاده راداد که با توجه به اینکه به دلیل رعایت مسائل حفاظتی، از دژبانی آبادان به طرف منطقه عملیاتی اجازه تردد اتوبوس و مینی بوس داده نمی شد، و همچنین چون تأکید شده بود که نقل و انتقالات فقط در شب ها انجام شود، مسئله کمبود ایفا و کامیون هم بر مشکلات دیگر افزوده شد و باعث تأخیر بیشتر در انتقال نیروها شد. با این همه، با تلاش مسئولان لشکر کلیه گردان های پیاده (حضرت رسول، انبیا، چهارده معصوم، قمر بنی هاشم و علی اکبر) تا صبح روز ۱۳۶۴/۱۱/۱۶ در موقعیت حمزه ۱ (پشت بهمن شیر) استقرار یافتند.

در روستای محل استقرار گردان ها تعداد اندکی خانه های گلی و بعضاً آجری بود که کفاف استقرار نیروها را نمی داد و به جز امکانات و وسایل و مهمات که در خانه ها جای داده شد، غالب نیروها مجبور بودند در فضای باز به سر برند. نیروها در بین نخلستان ها (که غالباً گل بود) به طور پراکنده برای خود سنگر تعجیلی کنده و با استفاده از دو متر نایلونی که کف آن می انداختند (تا کمتر خیس شوند)، برای خواب و استراحت خود از آن استفاده می کردند و همچنین برای استحمام در مضیقه بودند و زمانیکه باران می بارید، به دلیل عدم امکان تردد خودروها، با تأخیر و اشکال زیاد آب و غذا به نیروها می رسید، مخصوصاً نیروهایی که از جاده اصلی فاصله بیشتری داشتند. کلاً نیروها با گرفتن سلاح و تجهیزات انفرادی خود تا روز ۱۳۶۴/۱۱/۱۶ نسبتاً آماده بودند و در فرصتی که باقی بود، فرمانده گردان ها نکات لازم را به آنها تذکر می دادند و همچنین کم و بیش تمریناتی می کردند.

۲- انتقال و استقرار واحدها

هم زمان با نیروهای پیاده، به واحدهای پشتیبانی لشکر نجف،

دستور انتقال به موقعیت حمزه ۱ داده شد. این واحدها هم به تدریج تاروز ۱۳۶۴/۱۷۱۶ در این منطقه مستقر شدند. برای انتقال تجهیزات و امکانات نیز مشکلاتی همچون کمبود کامیون و کمرشکن و کمبود برگ تردد وجود داشت.

برادر احمد مسئولیت موقعیت حمزه ۱ را به عهده برادر زینعلی گذاشت و در جمع فرماندهان گردان ها و مسئولان واحدها اعلام کرد (شب ۱۳۶۴/۱۷۱۴) که هیچ کس حق ندارد بدون اجازه ایشان اقدامی کند، تمام کارها در موقعیت حمزه ۱ به عهده برادر زینعلی می باشد.

آخرین آمادگی ها

فرمانده لشکر نجف که در شب پانزدهم بهمن ماه در سنگر فرماندهی واقع در موقعیت سیدالشهدا (مقر لشکر نجف در شرق اروند) مستقر شد. برادر احمد کاظمی پس از استقرار گفت:

«فرماندهی (فرمانده کل سپاه) گفته که ما شب پانزدهم در سنگرهایمان در خط مستقر شویم که بحمدالله فرمان بردیم و امشب اینجا مستقر شدیم.»

در این زمان برادران مخابرات تجهیزات خود را سنگر فرماندهی مستقر کردند. برادران اطلاعات و برادران مهندسی نیز از قبل در موقعیت سیدالشهدا مستقر شده بودند. سوله های اورژانس تا ۱۷/۱۶ تکمیل شد و تجهیزات اورژانس در حال انتقال بود. تدارکات و موتوری در خانه ای که سقف هایش را واحد مهندسی محکم کرده بود، مستقر شدند. در خانه ای دیگر مهمات را جای دادند. حمام نیز برپا شده بود و با درست شدن سوله ۳۰ متری برای استقرار موقت گردان های پیاده، تا روز ۱۳۶۴/۱۷/۱۷، تقریباً آمادگی های لازم به دست آمده بود.

فرماندهان گردان ها و معاونین آنها، فرماندهان گروهان ها و معاونین آنها که به موقعیت سیدالشهدا می آمدند، از نزدیک به خط دشمن، راه ها و محل اسکله ها توجیه می شدند.

برادر کاظمی طی چند روزی که به عملیات مانده بود، غیر از پیگیری و تأکید بر سرعت بخشیدن به کارها، نکاتی ضروری را به فرماندهان گردان ها و مسئولان واحدهای لشکر تذکر می داد

برادر احمد ساعت ۱۱:۳۵ دستور انتقال ادوات از جمله تفنگ ۱۰۶ و مینی کاتیوشا را به منطقه درگیری داده و سپس برای بررسی وضعیت منطقه درگیری و هماهنگی با لشکر عاشورا جهت وارد کردن اولین گردان از لشکر نجف، همراه برادران سیف الله رهنما و اعتصامی (فرمانده گردان چهارده معصوم) عازم غرب اروند شدند.

که به بخشی از آنها اشاره می شود:

به فرماندهان گردان ها: سعی کنید بچه ها سبک باشند، وسایل اضافی همراه برندارند، پیاده روی زیاد دارند. این دو سه روز را مرتب مانور و تمرین کنید. بی سیم چی هاتان را همراه خود ببرید. کارهاتان را امروز بررسی کنید که چیزی از قلم نیفتد. به مسئول پرسنلی: فعلاً نیرو به هیچ وجه تقسیم نکنید. وظیفه ها را تقسیم نکنید؛ از تقسیم نیرو قبل از عملیات ما ضربه زیادی خورده ایم، (فقط) اگر کسی حاضر است در گردان های پیاده کار کند آنها را مأمور کنید. به فرماندهان گردان ها: هر دسته سازمانی باید یک قبضه تیربار، یک قبضه آرپی جی داشته باشد و بقیه افراد هر نفر یک قبضه کلاشینکف.

به مسئول تدارکات: سعی کنید این چند روز (باقی مانده به عملیات) غذای مقوی به بچه ها بدهید. ان شاءالله اگر موفق شدیم و خط شکسته شد، عملیات یکی دو روز نخواهد بود، بلکه مدت طولانی ادامه خواهد یافت. مسئله مهمات رسانی، غذارسانی در خط خیلی مهم است، اگر ۲۰۰۰ نفر در خط داشته باشیم باید ۶۰۰۰ غذا ببریم تا بتوانیم با احتمالاتی که پیش می آید، غذای ۲۰۰۰ نفر را برسانیم.

در این عملیات به علت زیر توپ و آتش بودن عقبه، مشکلات

زیاد است. اگر آشپزخانه ما در حمزه ۱ زیر آتش رفت، ما فوری باید بتوانیم جبران کرده غذا برسانیم.

مسئله دیگر، مسئله مهمات است باید همواره مهمات در دو جا آماده باشد، که اگر یکی زیر آتش رفت فوری بتوانیم از جای دیگر تأمین کنیم.

به فرماندهان گردان ها و مسئولان واحدها: هیچ کس حق ندارد همراه معاون یا قائم مقام خود با ماشین تردد کند که اگر خدای ناکرده مسئله ای پیش آمد، برای هر دو پیش نیاید.

در این عملیات کمیت مطرح نیست، بلکه کیفیت مطرح است. اگر بچه های مردم را بدون جهت و بدون برنامه بردید و شهید شدند، خونش پای شماست. جمعیت دنبال خود نیاورید، سعی کنید افراد با کیفیت را بیاورید.

سخنرانی فرمانده لشکر نجف برای نیروهای رزمنده و پشتیبانی

فرمانده لشکر نجف در آستانه عملیات، در روز شنبه ۱۳۶۴/۱۱/۱۹ ضمن سخنرانی برای کلیه نیروهایی که قرار بود در عملیات شرکت کنند (اعم از نیروهای گردان های پیاده و واحدهای رزمی و پشتیبانی) نکاتی را مخصوصاً به نیروهای پیاده بسیجی گوشزد کرد، که به برخی از آنها اشاره می شود.

برادر احمد کاظمی در ابتدای سخن فضیلت جهاد و فیضی که خداوند نصیب جهادگران نموده بیان کرد و ضمن یادآوری سختی های جنگ، برادران را تشویق به استقامت نمود و لزوم مقاومت طولانی را در خط مقابله با دشمن گوشزد کرد و متذکر شد که باید خود را برای حضور هفته های متوالی در خط مقدم آماده کنیم و منتظر تعویض بعد از یکی دو روز نباشیم.

وی سپس درباره هدف جنگ گفت:

«امروز ما باید به هدف اساسی خود فکر کنیم، آیا با سقوط صدام نبرد ما پایان می گیرد؟ بعد جهاد ما تا رفع فتنه است که رهبر ما صریحاً فرمودند.»

برادر احمد در بخش دیگری از صحبت خود نکاتی را به رزمندگان یادآور شد:

سعی کنید همدیگر را نشان کنید، یکدیگر را بشناسید، از روی

برادر احمد کاظمی در ساعت ۱۵ نزد برادر مرتضی قربانی (فرمانده لشکر ۲۵ کربلا) در ۵۰۰ متری تقاطع دو جاده فاو بصره و فاو ام القصر (در غرب شهر فاو) آمد و ضمن مشورتی تصمیم گرفتند تا قبل از اینکه دشمن خود را پیدا کند و در حالی که قوای دشمن هنوز دچار شوک هستند، پیشروی نیروهای خود را سرعت دهند.

لباس، سلاح، ... که هنگام عملیات بتوانید یکدیگر را بشناسید. فقط از فرمانده تان دستور بگیرید، (مبادا) یک وقت کسی بیاید و بگوید برای تعویض آماده شوید و بخواهد ضربه بزند.

باید سلاحتان را حفظ کنید. تجهیزات هر رزمنده ابزار کار اوست. مبادا سلاحي و تجهیزاتی را بیندازید به این امید که از دشمن می گیریم.

هر رزمنده در خط باید تدبیر کند؛ تدبیر در حفظ سلاح، تدبیر در استفاده از مهمات، تدبیر در پیشروی و برتری.

رزمندگان باید همیشه حضور و برندگی سلاح خود را نشان دهند و دشمن را به وحشت بیندازند. تجمع در خط و تشکیل دیوار گواشی خطاست، سعی کنید از همدیگر فاصله داشته باشید.

روحیات نیروهای رزمنده

قبل از شروع سخنرانی برادر احمد، نوحه خوانی، و سینه زنی برقرار بود و رزمندگان با شور و شوق به سر و سینه خود می زدند و گریه می کردند، از جمله زمزمه می کردند:

راهیان حرم مولی حسین آماده اند تا کنند جان فدا، در ره کربلا مهدی جانم بیا مهدی جانم بیا

و با شروع سخنرانی فرمانده لشکر فریاد برآوردند که فرمانده آزاده آماده ایم، آماده.

آخرین تذکرات قبل از عملیات

در آخرین جلسه ای که با حضور همه فرماندهان گردان‌ها؛ معاونان آنها و همچنین مسئولان واحدها و معاونان آنها و دیگر مسئولان لشکر نجف در پایان روز ۱۳۶۴/۱۱/۱۹ (یک روز قبل از عملیات) تشکیل شد، فرمانده لشکر نجف ضمن اعلام آماده باش کامل، مأموریت و طرح مانور هر گردان را به طور جداگانه و همچنین مأموریت و مسئولیت هر واحد را به تفکیک یادآوری کرد و توضیح داد و منطقه عملیاتی را به طور مشروح توجیه نمود و تأکید زیادی بر توجیه شدن هر کس به مسئولیت و محل مأموریت خود داشت. وی باز هم تأکید کرد که نباید برای کسی ابهامی باقی بماند و هر کسی و هر مسئولی اشکالی و ابهامی دارد باید سؤال کند. برادر احمد به فرماندهان گردان‌ها دستور داد که از فردا صبح (۱۷۲۰) تا بعد از ظهر معاون اول و دوم گروهان‌ها و معاون اول و دوم دسته‌ها را توجیه کرده و از ساعت ۳ بعد از ظهر تا قبل از تاریکی هوا، کلیه نیروها را به منطقه عملیاتی و طرح مانور توجیه نمایند. برادر کاظمی در ادامه گفت:

«همه فرمانده گردان‌هایی که در موقعیت حمزه ۱ (شرق بهمن شیر) هستند، قبل از ساعت ۶ بعد از ظهر فردا باید در مقر فرماندهی حمزه ۱ حضور یابند و همان جا آماده باشند. معاونین همه گردان‌ها نیز برای آمادگی نیروها در گردان‌ها حضور داشته باشند. همچنین از ساعت ۹ صبح فردا مسئولین اورژانس، مهندسی با تمام تجهیزات، یگان دریایی کوثر، موتوری و یک گروهان یگان زرهی در محل‌های خود در موقعیت سیدالشهدا

فرمانده لشکر نجف سپس در تماسی با

مقر لشکر در شرق اروند گفت که به همه

برادران بگویند کسی حق ندارد امشب

یک دقیقه استراحت کند؛ هر چه توان دارید،

بگذارید که هر چه دارید

(خودرو، تجهیزات، مهمات، آب و غذا...) به

غرب اروند انتقال دهید.

حضور داشته باشند. مسئولین تدارکات هم هر کدام باید سرکار خودشان باشند.»

فرمانده لشکر سپس لزوم آمادگی برای عملیات طولانی را یادآوری می‌کند:

«برادران، خود را بایستی برای جنگ سخت و طولانی آماده کنید، الان قاطع و محکم می‌گویم چیزی که پیش بینی می‌شود اینکه ۱۵ روز ما عملیات داریم، یک ماه هم دشمن؛ یعنی ۴۵ روز (عملیات پی در پی). اگر خداوند به ما اجازه عبور از خط دشمن داد، یک چنین داستانی در پیش داریم، نگویند امشب عملیات شد، فردا شب هم خوب و پس فردا شب هم خسته ایم؛ کسی در فکر این نباشد که گردان بر می‌گردد. بچه‌هایی گویند مریضی در این منطقه باطل است. بایستی بچه‌هایی که در این سرزمین تجربه به دست می‌آورند، ان شاء الله مواضع را سفت و محکم کنند تا ان شاء الله آب‌ها از آسیاب بیفتد و بعد ادامه عملیات بدهیم.»

برادر احمد در پایان مسئولان عملیاتی و جانشین آنها را مشخص می‌کند:

«کارها در سطح لشکر به این شکل تقسیم می‌شود: یک مسئول در خط داریم که حاج آقا سیف الله رهنماست، که ایشان مسائل در خط و الحاق‌ها را کنترل می‌کند. یک مسئول و معاون داریم حاج آقا زینعلی و آقای قاسم محمدی که انتقال گردان‌ها به منطقه و خط را انجام می‌دهند که حساس‌ترین مأموریت است. مسئول انتقال وسایل سنگین در ساحل خودی برادر طباطبایی و مسئول ساحل دشمن آقای صنعت کار می‌باشد. مسئول انتقال وسایل سبک و نیروی پیاده آقای کبیرزاده می‌باشد. مسئول ستاد و پشتیبانی در خط آقای ملکی و حاج غلامرضا رحیمی می‌باشند.»

برادر کاظمی در اینجا جانشین مسئولان رده بالای لشکر را در موارد احتمالی چنین معرفی می‌کند:

«اگر خدای ناکرده برای برادر سیف الله رهنما اتفاقی افتاد، حاج آقا زینعلی به جایش می‌رود. برای حاج آقا زینعلی اتفاقی افتاد، آقای محمدی به جای ایشان. همچنین اگر در رده

فرماندهی لشکر اتفاقی افتاد، آقای زینعلی در ادامه نبرد کارها را انجام می دهد و در رده بعدی هم دو برادر قاسم محمدی و سیف الله رهنما.»

در آستانه عملیات

در حالی که زمان آغاز عملیات ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۳۶۴/۱۷/۲۰ اعلام شده است، وضعیت آمادگی لشکر نجف برای عملیات در این روز چنین است:

محل استقرار لشکر نجف در کنار اروندرود (موقعیت سیدالشهدا) با شن ریزی جاده ها و دیگر تلاش های بی وقفه مسئولان لشکر آماده شده است. هر چند محدودیت زمینی که در اختیار لشکر نجف قرار گرفته مشکلات زیادی را سبب شده است، ولی جاده ها، سوله ها و محل های استقرار نیروهای پیاده و واحدهای پشتیبانی طبق برنامه آماده شده است. از شلوغی ها، تردهای اضافی و مشغولیت های ذهنی بسیاری که معمولاً در

برادر کاظمی مجدداً تأکید می کند که

اگر امشب کوتاهی کنیم، دیگر محال است که

به هدف برسیم و اصرار می کند که به

هر صورتی شده لشکرهای دیگر از فرصت

برای پیشروی و انهدام دشمن استفاده کنند.

فرماندهی قرار گاه کربلا

(برادران محتاج و غلامپور) ضمن تصدیق نظر

برادر احمد، مشکلات و کمبودهایی که منجر به

چنین وضعیتی شده را مطرح نموده و از

وی می خواهند که لشکر نجف با

قوای دشمن در حد فاصل جاده البحار و

استراتژیک مقابله کند تا لشکر عاشورا بتواند

در حدود چهار کیلومتری سه راهی کارخانه

نمک خاکریزی احداث نماید.

یکی دو روز قبل از هر عملیاتی وجود دارد، در اینجا کم تر به چشم می خورد. سرجاده های فرعی موقعیت سیدالشهدا تابلوهای راهنمایی کننده نصب شده است. یگان دریایی لشکر نجف (یگان کوثر) با استقرار قایق ها و تجهیزات خود در نهر شمالی نهر منطقه یا در کنار آن، آماده عملیات شده است.

واحد اورژانس به وسایل لازم مجهز شده و واحد مهندسی تجهیزات لازم برای مأموریت خود را در غرب اروند آماده کرده است.

گردان های پیاده (۵ گردان) در موقعیت حمزه (شرق رودخانه بهمن شیر) مستقر شده اند و با دریافت تجهیزات خود و اجرای تمرین هایی که امکان داشت، و همچنین با توجیهی که امروز نسبت به منطقه عملیاتی و طرح مانور شدند، آمادگی لازم را برای اجرای عملیات به دست آورده اند و منتظر دستور حرکت هستند.

دو تیم (جمعاً ۷ نفر) از برادران اطلاعات عملیات نسبت به مأموریت خود توجیه شده اند. آنها مأموریت دارند گردانی از لشکر عاشورا که بعد از شکسته شدن خط دشمن به طرف جاده فاو بصره می رود را همراهی کرده و در آنجا سمت چپ و راست این جاده به طرف کارخانه نمک تا حدی که ممکن شود را شناسایی کنند.

فرمانده لشکر نجف امروز ترتیب اولویت انتقال وسایل سنگین از اروندرود را به نحو زیر به مسئول انتقال وسایل سنگین ابلاغ کرد:

۱- کمک به لشکر عاشورا برای انتقال وسایل لازم.

۲- انتقال وسایل و تجهیزات لازم برای ساحل سازی در غرب اروند.

۳- انتقال یک لودر و یک بولدزر.

۴- انتقال نفربرهای پی.ام.پی.

ظهر امروز چند تن از مسئولان لشکر عاشورا جهت درخواست قایق برای انتقال تعدادی از نیروهایشان، به مقر فرماندهی لشکر نجف آمدند که به این درخواست جواب مثبت داده شد.

بعد از ظهر امروز نیز برادر احمد به منظور ایجاد آخرین

هماهنگی‌ها در مقر فرماندهی لشکر عاشورا حضور یافت. فرمانده لشکر نجف قبل از ظهر برای اطلاع از آخرین وضعیت عملیات و آگاهی از جلسه دیشب قرارگاه خاتم، به قرارگاه کربلا رفت که برادر محتاج و برادر غلامپور هیچ کدام نبودند. هوای امروز کاملاً ابری بود. هنگام عصر و اوایل شب مقداری باران بارید که موجب لغزندگی و خرابی جاده‌های خاکی شد. برادر امین (فرمانده لشکر عاشورا) بارش کمی باران را خیلی مفید می‌دانست به دلیل اینکه در ارون درود موج ایجاد می‌کند و این موج استتاری برای برادران غواص در حین عبور می‌شود. برادر احمد می‌گفت: بیشترین پیروزی‌ها زمانی بوده است که همه می‌گفتند چطور می‌شود، حیران بوده و مشکلات زیادی را می‌دیدند.

با شروع تاریکی هوا، آخرین روز قبل از عملیات پایان گرفت و لحظه شماری برای آغاز عملیات شروع شد در حالی که لشکر نجف آمادگی لازم برای اجرای مأموریت خود را کسب کرده بود؛ البته پیش‌بینی می‌شد در صورت طولانی شدن عملیات، لشکر دچار کمبود مهمات شود که مسئولان لجستیک سپاه قول داده بودند مهمات لازم را تأمین می‌کنند.

شرح عملیات لشکر ۸ نجف در عملیات والفجر

مطابق دستور عملیاتی، اولین مأموریت لشکر نجف، احتیاط و پشتیبانی لشکر عاشورا بود، به این دلیل فرمانده لشکر نجف به همراه مسئول طرح و عملیات (سیف‌الله رهنما) و بی‌سیم‌چی لشکر (رسول رحیمی) از حدود ساعت ۲۰ روز ۱۳۶۴/۱۷/۲۰ در مقر فرماندهی لشکر عاشورا در شرق اروند حضور یافت، تا ضمن یاری در هدایت عملیات، هر زمان که مشکلی در ادامه عملیات بروز کرد با اعزام نیرو یا امکانات از لشکر نجف، به رفع مشکل بپردازد.

حدود ساعت ۲۲:۳۰ در سراسر خط، درگیری با دشمن شروع شد و برادر احمد کاظمی نزد برادر امین شریعتی در جریان لحظه به لحظه عملیات لشکر عاشورا قرار داشت. حدود ساعت ۲۴ نیروهای لشکر عاشورا برای عبور از اروند با کمبود قایق مواجه شده و درخواست قایق کردند، که برادر احمد با مسئول یگان

بعد از بازدید منطقه فرماندهان لشکر نجف و لشکر کربلا تصمیم گرفتند که نیروهای خود را از محور کارخانه نمک وارد و از پشت به دشمن بزنند. احمد و مرتضی پشت خاکریزی که از جاده استراتژیک به پایگاه موشکی سمت راست جاده ام‌القصر متصل می‌شد، در نزدیکی جاده استراتژیک مستقر شدند.

دریایی لشکر نجف تماس گرفت و گفت لشکر عاشورا را در انتقال یاری کند.

روز اول عملیات: ۱۳۶۴/۱۷/۲۱

با شکسته شدن خط و ادامه عملیات بدون بروز اشکال مهمی، برادر احمد به مقر لشکر نجف باز گشت و در ساعت ۳ بامداد (۱۳۶۴/۱۷/۲۱) دستور حرکت گردان پیاده چهارده معصوم و گردان ادوات از عقبه پشت بهمن شیر (موقعیت حمزه ۱) به منطقه عملیاتی (موقعیت سیدالشهدا) را داد.

در ساعت ۱۰ نیز به گردان قمر بنی‌هاشم و گردان حضرت رسول (ص) دستور حرکت از موقعیت حمزه ۱ به منطقه عملیاتی داده شد، این گردان‌ها برای انتقال نیرو و خودرو کم داشتند که به آنها گفته شد هر طور که شده باید حرکت کنند و به دلیل بسته شدن پل ابوشانک به علت لغزندگی و شلوغی، راهنمایی شدند که از جاده فیاضیه بیایند.

گردان ادوات و گردان چهارده معصوم ساعت ۱۰ تا ۱۱ صبح به منطقه عملیاتی رسیدند که قرار شد نیروهای ادوات کناریکی از جاده‌های موقعیت سیدالشهدا (مقر لشکر نجف در شرق اروند) سنگرهای تعبیلی زده خود را برای انتقال به منطقه درگیری آماده کنند. نیروهای گردان چهارده معصوم نیز به سوله‌های استقرار موقت در این مقر راهنمایی شدند تا پس از اقامه نماز و صرف نهار خود را برای حرکت به غرب اروند و شروع عملیات

آماده کنند.

شروع کار مهندسی واحداث اسکله

فعالیت مهندسی لشکر برای تکمیل جاده اصلی موقعیت سیدالشهدا که قرار است تا کنار اروند ادامه یابد از آغاز روشنایی هوا شروع شده است. از سوی دیگر فرمانده لشکر ضمن دستور تسریع در احداث اسکله در ساحل خودی (شرق اروند)، با بررسی ساحل غربی اروندرود در منطقه روبه روی محل استقرار لشکر، محل مناسبی را نیز برای احداث اسکله در ساحل غربی اروند مشخص نمود که قرار شد برادران واحد تخریب، موانع و مین های ساحل دشمن را از بین برده و کار احداث اسکله با سرعت شروع شود.

عده ای از برادران مهندسی نیز مشغول گذاشتن پل های نفرو روی گل ها و باتلاق در ساحل خودی بودند تا تردد نیروی پیاده به سادگی از روی آنها انجام شود.

برادر احمد ساعت ۱۱:۳۵ دستور انتقال ادوات از جمله تفنگ ۱۰۶ و مینی کاتیوشا را به منطقه درگیری داده و سپس برای بررسی وضعیت منطقه درگیری و هماهنگی با لشکر عاشورا جهت وارد کردن اولین گردان از لشکر نجف، همراه برادران سیف الله رهنما و اعتصامی (فرمانده گردان چهارده معصوم) عازم غرب اروند شدند.

در ساعت ۱۴ دستور حرکت گردان چهارده معصوم داده شد که تا ساعت ۱۴:۳۰ همه نیروهای این گردان با قایق از اروند عبور و به طرف منطقه درگیری حرکت کردند.

گردان حضرت رسول (ص) نیز در ساعت ۱۵:۴۰ به موقعیت سیدالشهدا (شرق اروند) رسید که برادر احمد دستور داد این گردان هم هر چه سریع تر به غرب اروند منتقل شود.

برادر احمد کاظمی در ساعت ۱۵ نزد برادر مرتضی قربانی (فرمانده لشکر ۲۵ کربلا) در ۵۰۰ متری تقاطع دو جاده فاو بصره و فاو ام القصر (در غرب شهر فاو) آمد و ضمن مشورتی تصمیم گرفتند تا قبل از اینکه دشمن خود را پیدا کند و در حالی که قوای دشمن هنوز دچار شوک هستند، پیشروی نیروهای خود را سرعت دهند. لذا فرمانده لشکر نجف ضمن هماهنگی با

فرمانده لشکر عاشورا، گردان لشکر عاشورا که پشت جاده اول بود را به جلو هدایت کرد و این گردان پشت خاکریز اصلی مستقر شد. فرمانده لشکر کربلا نیز گردان خود را به جلو هدایت کرد.

عملیات گردان چهارده معصوم

فرمانده گردان چهارده معصوم (برادر اعتصامی)، قبل از انتقال گردانش به غرب اروند، به همراه سیف الله رهنما در غرب اروند به بررسی و شناسایی منطقه درگیری پرداختند و سمت راست جاده استراتژیک را برای پیشروی به سمت منطقه درگیری انتخاب کردند و پس از عبور ۳ گروهان از نیروهایش از اروندرود در ساعت ۱۴:۳۰، شروع به پیاده روی به طرف منطقه درگیری کردند. قبل از تقاطع جاده استراتژیک و لوله نفت نیروهای دشمن پراکنده و در حال فرار بودند. یک دسته نیرو مأمور پاکسازی مقرهای پراکنده دشمن شدند. درگیری اصلی از مثلثی تقاطع خط لوله و جاده استراتژیک شروع شد. در این منطقه دشمن با استفاده از مقرها و موانع متعدد مخفی شده بود و مقاومت می کرد. گردان چهارده معصوم با پشتیبانی یک تانک (از لشکر ۲۵ کربلا) که چهار کیلومتر نیروها را همراهی کرد و خیلی مؤثر بود، موجب انهدام و فرار نیروهای دشمن شد. این گردان تا یک کیلومتری سه راهی کارخانه نمک پیشروی کرد و حدود ۲۰۰ نفر از دشمن تلفات گرفت.

برادر اعتصامی در ساعت ۱۸:۱۲ در تماسی با برادر احمد ضمن اعلام اینکه با ستونی از نیروهای عراقی درگیر شده، درخواست کمک می کند.

برادر احمد: با آنها بجنگید، گردان حضرت رسول هم الان می آید.

در ساعت ۱۹ برادر اعتصامی درخواست آمبولانس برای انتقال مجروحان کرد. در پی آن برادر احمد از مسئولان لشکر مستقر در موقعیت سیدالشهدا خواست که هر چه سریع تر آمبولانس و مهمات بفرستند. در ساعت ۱۹:۳۰ نیز به توپخانه دستور داد که روی نیروهای دشمن که در مقابل گردان چهارده معصوم

هستند، آتش پراکنده بریزند و برای اجرای آتش سنگین آماده شوند.

شب دوم عملیات

فرمانده لشکر نجف عصر امروز از نزدیک (با چشم و دوربین) منطقه درگیری (حد فاصل جاده البحار و جاده استراتژیک تا حدود کارخانه نمک) را بررسی و شناسایی کرد که با توجه به مشاهدات خود، تصمیم گرفت از پراکندگی و گیجی قوای دشمن و ناتوانی فرماندهی دشمن در تقویت نیروهایش در امشب و فردا و همچنین (به احتمال زیاد) نامناسب بودن زمین برای مانور زرهی دشمن استفاده کرده و نیروهای خودی را تا هدف مرحله چهارم عملیات (جاده ای که حدود ۲/۵ کیلومتر بالاتر از سه راهی کارخانه نمک، عمود بر جاده استراتژیک کشیده شده بود و تا جاده البحار ادامه داشت) هدایت و با تأمین این هدف، به تثبیت آن بپردازند.

در پی این تصمیم، فرمانده لشکر نجف، برادر گردانی (فرمانده گردان حضرت رسول) که گردانش به سوی منطقه درگیری پیش می رود، را به هدف توجیه کرد و گفت به پیشروی خود از روی جاده استراتژیک ادامه دهید و اگر آتش دشمن مانع شد، از کنار جاده جلو بروید.

برادر احمد در ساعت ۲۰ در تماسی با برادر اعتصامی، او را توجیه نمود که برای تأمین هدف مرحله دوم عملیات (سه راهی کارخانه نمک) پیشروی کند و آماده شود تا در صورت امکان تا هدف مرحله چهارم عملیات جلو رفته و این هدف را تأمین کند. فرمانده لشکر نجف به وی تأکید می کند باید از سمت راست با لشکر عاشورا و از سمت چپ با گردان حضرت رسول (از لشکر نجف) که در راه است الحاق کند. برادر کاظمی اضافه کرد که منتظر لشکر عاشورا و لشکر امام حسین (ع) است که آماده شوند تا کارمان را شروع کنیم و به هدف مرحله چهارم عملیات برسیم. وقتی برادر اعتصامی گفت که خبری از لشکر عاشورا و امام حسین نیست، برادر احمد در جوابش گفت: «خب، خدا که هست.» وی در پاسخ درخواست آب و مهمات، نیز گفت فعلاً نمی توانم قول بدهم، وسیله نداریم.

فرمانده لشکر نجف سپس در تماسی با مقر لشکر در شرق اروند گفت که به همه برادران بگویید کسی حق ندارد امشب یک دقیقه استراحت کند؛ هر چه توان دارید، بگذارید که هر چه دارید (خودرو، تجهیزات، مهمات، آب و غذا...) به غرب اروند انتقال دهید. گفتنی است که لشکر نجف هنوز موفق نشده خودرو، تجهیزات، آمبولانس و وسایل سنگین خود را از اروندرود عبور دهد.

فرماندهان لشکر نجف و کربلا که در یکی از مقرهای آزاد شده دشمن در حدود چهار کیلومتری سه راهی کارخانه نمک مستقر شده اند، از ساعت ۲۰ تلاش برای هماهنگی و ترغیب سایر یگان ها جهت استفاده از فرصت و تعقیب دشمن تا رسیدن به هدف مرحله چهارم عملیات را آغاز می کنند. در حالی که قرارگاه کربلا با فرستادن نامه ای از فرماندهان یگان های تحت امر خواسته که برای هماهنگی ادامه عملیات، شب هنگام در محل این قرارگاه واقع در شرق اروند حضور یابند، احمد و مرتضی در مشورتی با یکدیگر ترجیح می دهند که در نزدیکی منطقه درگیری باقی بمانند و ضمن هدایت نیروهای خود از نزدیک، اشراف بیشتری بر اوضاع داشته باشند.

فرمانده لشکر نجف در تماسی با جانشین فرمانده قرارگاه کربلا (برادر غلامپور)، ضمن تشریح وضعیت منطقه درگیری و تأکید بر ضرورت پیشروی سریع تر تا هدف مرحله چهارم، از اینکه یگان های دیگر تلاش لازم را برای پیشروی و الحاق نمی کنند گله می کند. برادر غلامپور دلیل این مسئله را نرسیدن دستگاه های مهندسی (لودر و بولدوزر) به تعداد کافی به لشکر امام حسین برای احداث خاکریز و همچنین کمبود گردان های پیاده این لشکر ذکر کرد.

برادر کاظمی مجدداً تأکید می کند که اگر امشب کوتاهی کنیم، دیگر محال است که به هدف برسیم و اصرار می کند که به هر صورتی شده لشکرهای دیگر از فرصت برای پیشروی و انهدام دشمن استفاده کنند. فرماندهی قرارگاه کربلا (برادران محتاج و غلامپور) ضمن تصدیق نظر برادر احمد، مشکلات و کمبودهایی که منجر به چنین وضعیتی شده را مطرح نموده و از

وی می‌خواهند که لشکر نجف با قوای دشمن در حد فاصل جاده البحار و استراتژیک مقابله کند تا لشکر عاشورا بتواند در حدود چهار کیلومتری سه راهی کارخانه نمک خاکریزی احداث نماید. فرمانده لشکر نجف نیز پاسخ می‌دهد همه لشکرها باید فعال شوند. به هر صورت، ارتباط با قرارگاه کربلا به طور متناوب تا ساعت ۲۲:۳۰ ادامه یافت.

در ساعت ۲۲:۳۰ با حضور فرمانده لشکر امام حسین (برادر خرازی) و فرمانده لشکر عاشورا در محل استقرار فرماندهان لشکر نجف و لشکر کربلا، بحث و بررسی درباره ادامه عملیات شروع شد. برادران کاظمی و قربانی اصرار زیادی بر ادامه عملیات تا جاده شنی (هدف مرحله چهارم عملیات حدود ۲/۵ کیلومتر بالاتر از سه راهی کارخانه نمک) و پدافند پشت این جاده را داشتند. آنها دلایل اصرار خود را چنین برشمردند: ۱- گنجی، عدم تمرکز و از هم پاشیدگی سازمان دشمن ۲- تمرکز نیرو، سازماندهی و شروع پاتک‌های سنگین دشمن، با گذشت زمان ۳- عدم امکان دستیابی به هدف مرحله چهارم در صورت گذشت زمان ۴- ضرورت دست یافتن به یک خط پدافندی مطمئن و قابل دفاع به طرف شمال.

از طرف دیگر، برادر خرازی و شریعتی ضمن تأیید دلایل فوق، موافق ادامه عملیات تا هدف مرحله چهارم نبودند و بر تکمیل و تقویت خاکریزی که از قبل به عنوان مأموریت آنها مشخص شده بود، یعنی خاکریزی که حدود ۴ کیلومتر پایین‌تر از سه راهی کارخانه نمک بود و این جلسه در یکی از مقرهای دشمن در نزدیکی آن برقرار بود. دلایل مخالفت فرمانده لشکر امام حسین با پیشنهاد برادران کاظمی و قربانی چنین بود:

۱- کمبود نیرو و ضعف و خستگی آنها. ۲- کمبود لودرو و بولدوزر برای احداث خاکریز ۳- طولانی بودن فاصله نقطه رهایی تا هدف (بیش از ۶ کیلومتر) و کمبود فرصت. ۴- تأمین نشدن جناح راست (سمت راست جاده اول) به دلیل عدم هماهنگی با یگان‌های مأمور در آن محور و نیز عدم توانایی آنها برای پیشروی هماهنگ. ۵- لزوم هماهنگی بین یگان‌ها و تصمیم‌گیری فرمانده رده بالاتر درباره ادامه عملیات.

فرماندهان لشکر نجف و کربلا مسائل مذکور را قابل حل می‌دانستند، از جمله کمک نیروهای لشکر کربلا برای رفع کمبود نیرو و تمرکز وسایل مهندسی برای تکمیل خاکریز مرحله دوم تا در صورت عدم دستیابی به هدف مرحله چهارم و فشار دشمن، نیروها به عقب برگشته و پشت آن پدافند کنند. مشکل کمبود فرصت و طولانی بودن راه نیز با ادامه عملیات در روز قابل حل بود. برای حل مسئله تأمین جناح راست نیز پیشنهاد شد که همراه با پیشروی نیروها بین جاده اول و دوم، یک گردان در سمت راست جاده اول پیشروی کند و لشکر نصر (که در آن محور مأموریت داشت) نیز در جریان قرار گیرد.

با وجود این مباحث و ارائه دلایل، توافقی حاصل نشد و فرمانده لشکر امام حسین جلسه را ترک کرد. در پی آن مطرح شد که سه لشکر نجف، عاشورا و کربلا تا کنار کارخانه نمک (دو طرف جاده استراتژیک) را پاکسازی کرده و آنجا خاکریز بزنند، لیکن برادر احمد گفت که این کار ممکن نیست، چون زمین حد فاصل جاده اول و دوم و همچنین سمت چپ جاده دوم در آن منطقه باتلاقی است طوری که نه می‌توان آنجا خاکریز زد و نمی‌توان با استفاده از جاده دوم (جاده استراتژیک) نیروهای درگیر را پشتیبانی کرد چرا که جاده در معرض تیر مستقیم و آتش دشمن است. وی پیشنهاد کرد خاکریزی که حدود ۲/۵ کیلومتر پایین‌تر از سه راهی کارخانه نمک و عمود بر جاده دوم است پاکسازی و تکمیل و تقویت شود. در این مورد نیز فرماندهان سه لشکر مذکور به توافقی دست نیافتند.

دستور برگشت به گردان چهارده معصوم

گردان چهارده معصوم که عصر امروز درگیری با دشمن را از حدود چهار کیلومتری کارخانه نمک شروع کرده و تا ۵۰۰ متری سه راهی کارخانه نمک پیش رفته و بخشی از قوای دشمن را منهدم کرده بود، به تدریج مهماتی که نیروها همراه خود داشته کاهش یافت، امکان پشتیبانی آنها هم میسر نشد. به گفته فرمانده این گردان، ستونی از نیروهای دشمن با حدود ۷۰ خودرو و خودروی زرهی از روی جاده دوم به سمت این گردان هجوم آوردند که با مقاومت و آتش رزمندگان بسیاری از خودروها و

نیروهایش منهدم شدند. باقی مانده قوای دشمن در مقرهای نزدیک سه راهی مستقر شدند و از ساعت ۲۱ تا نیمه شب سه بار پاتک کردند. بخشی از قوای دشمن با مقابله رزمندگان و بخشی نیز با رفتن روی مین ها و سیم خاردارهای اطراف مقرها منهدم شدند. در این موقعیت مهمات بچه ها نیز در حال اتمام بود از طرف دیگر، فرماندهی قوای دشمن در ادامه کارپی برد که در این محور فقط یک گردان در حال نبرد است که تدارک هم نمی شود. حدود نیمه شب دو ستون از قوای دشمن در دو طرف جاده دوم و یک ستون نیز از روی جاده شروع به پیشروی و محاصره این گردان را کردند، در این وضعیت بود که در ساعت ۲۰ دقیقه بعد از نیمه شب با دستور فرمانده لشکر و تدبیر فرمانده گردان، نیروها بدون جلب توجه دشمن به پشت خاکریز اصلی برگشتند. در عملیات، امشب گردان چهارده معصوم متحمل ۲ شهید و ۸ مجروح شد.

برادر کاظمی به گردان حضرت رسول نیز که هنوز وارد منطقه درگیری نشده بودند، دستور برگشت به کنار رودخانه و استراحت در سنگرهای قبلی دشمن را داد.

با برگشت گردان چهارده معصوم به عقب، در محور جاده دوم نیروی دیگری در جلو و در مقابل دشمن باقی نماند و مقری که فرماندهان و تعدادی از مسئولان دو لشکر نجف و کربلا در آن مستقر بودند، خط اول خودی در این محور شد، البته بدون هیچ گونه آمادگی و تدارک دفاعی از این مقر که حدود ۴ کیلومتر با سه راهی کارخانه نمک فاصله داشت، لیکن فرماندهان با توجه به شناختی که از دشمن داشتند احتمال پیشروی شبانه دشمن تا این مقر را نمی دادند و با توجه به خستگی و بی خوابی دو شبانه روز گذشته، به استراحت در این مقر پرداختند، البته صبح قبل از روشنایی کامل هوا این مقر را به سرعت ترک کردند.

روز دوم عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۲)

اوایل صبح روز دوم با حضور فرمانده نیروی زمینی سپاه (برادر رحیم صفوی) و مسئولان قرارگاه کربلا در غرب اروندرود، فرماندهان لشکر نجف و لشکر کربلا به نزد آنها رفتند و ضمن گزارشی از وضعیت عملیات و تأسف از ناهماهنگی شب

گذشته که موجب از دست رفتن فرصت شد، درخواست تصمیم گیری قاطع و روشن برای ادامه عملیات کردند.

برادر رحیم صفوی: محکم و صریح می گویم، ما می خواهیم دفاع کنیم؛ خط اول مان این (خاکریزی که از پایگاه موشکی سمت راست جاده ام القصر به جاده دوم کشیده شده و امتداد همین خاکریز تا جاده اول) و خط دوم مان هم این (یک کیلومتر جلوتر از محل تقاطع جاده دوم و سوم)، تا بعد ببینیم چه می شود. در اینجا برادر احمد خط پشت کارخانه نمک را پیشنهاد کرد و گفت که به دلیل کوتاه بودن طول خط، نیروی کمتری می خواهد و بهتر می توان آن را پدافند کرد. برادر رحیم در این باره گفت که اگر قرارگاه پیشروی کرد و نیروها سرزنده بودند، تصمیم می گیریم. وی تأکید کرد که ادوات و موشک ها را زودتر توی خط ببرید، امروز صد تانک بزنید، مین بیاورید.

بعد از جلسه مذکور فرمانده لشکر نجف کار را شروع کرد: مأموریت گردان های پیاده و واحدهای پشتیبانی را اعلام کرد. به گردان حضرت رسول دستور حرکت و پیشروی به سمت دشمن از محور جاده استراتژیک (جاده دوم) داده شد. به توپخانه دستور اجرای آتش شدید روی قوای دشمن در نزدیکی کارخانه نمک داده شد. همچنین مقرر گردید که تعدادی خمپاره انداز ۶۰ میلی متری و یک دستگاه مینی کاتیوشا گردان حضرت رسول (ص) را همراهی کند. مسئولان موشک های تاو، مالیوتکا و مینی کاتیوشا نیز به مأموریت خود در پشتیبانی از رزمندگان و انهدام قوای دشمن توجیه شدند.

برادر احمد بعد از مشخص کردن مأموریت ها، خود قبل از نیروهایش به سمت سه راهی کارخانه نمک حرکت کرد تا از نزدیک وضعیت زمین و دشمن را بررسی کند.

شرح عملیات روز دوم

پس از دستور حرکت، گردان حضرت رسول از سمت راست جاده استراتژیک به سمت سه راهی کارخانه نمک حرکت کرد. نیروها حدود ساعت ۹ در مقرهای خالی دشمن در نزدیکی جاده استراتژیک، بالاتر از تقاطع خط لوله نفت با جاده استراتژیک مستقر شدند و درگیری با نیروهای پیاده دشمن که

مشغول استقرار در مقرهای روبه رو بودند (به فاصله ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ متر) را شروع کردند.

برادر کاظمی در ساعت ۹:۳۰: الحمدلله پیشروی خوبی داشتیم، گردان حضرت رسول از محل دیشب گردان چهارده معصوم هم جلو تر رفت، دشمن سخت در محاصره قرار گرفت. موشک های تاو، مالیوتکا و مینی کاتیوشا نیز در پشت خاکریز اصلی (چند صد متری محل استقرار گردان حضرت رسول) مستقر شدند و اجرای آتش روی خود روهای دشمن که در جاده استراتژیک در حرکت بودند، را شروع کردند.

برادر گردانی (فرمانده گردان حضرت رسول) در ساعت ۱۱ خبر داد که یک ستون از نیروهای دشمن به نیروهای لشکر علی بن ابیطالب در پایین کارخانه نمک نزدیک می شوند. در پی آن با دستور فرمانده لشکر نجف، توپخانه لشکر مأمور اجرای آتش روی آنها شد.

علاوه بر فعالیت یگان های پیاده و مکانیزه دشمن علیه نیروهای خودی، بمباران و آتش شدید توپخانه دشمن ادامه داشت.

در ساعت ۱۲:۴۵ برادر گردانی اعلام کرد که یک ستون تانک دشمن از طرف کارخانه نمک، روی جاده استراتژیک به طرف ما در حرکت است. به دنبال آن واحدهای توپخانه، ادوات و موشک های لشکر نجف آتش شدیدی را روی این ستون زرهی دشمن اجرا کردند که با انهدام تعدادی تانک، خودرو و دیگر تجهیزات دشمن، قوای عراقی ناچار به توقف شدند.

تا شب درگیری ها با شدت و ضعف ادامه یافت، در حالی که هواپیماهای دشمن از ساعت ۷:۱۵ صبح بمباران شدید منطقه عملیات و عقبه نیروهای خودی را شروع کردند. در ساعت ۱۴:۳۶ پدافند هوایی یک هواپیمای دشمن را سرنگون کرد. همچنین در ساعت ۱۷:۲۰ دو هواپیمای خودی که در ارتفاع پایین پرواز می کردند، خط دشمن را بمباران کردند.

طرح عملیات شب سوم

در ساعت ۱۴:۳۰ با حضور برادران محتاج (فرمانده قرارگاه کربلا)، غلامپور (جانشین وی)، کاظمی، قربانی و شریعتی در مقر فرمانده لشکر کربلا (کنار جاده استراتژیک، نزدیک

تانک فارم ها)، پس از گزارش آخرین وضعیت، برادر غلامپور طرح ادامه عملیات قرارگاه کربلا را چنین اعلام کرد: «با توجه به آنچه که برادر رحیم صبح فرمودند که سیاست ما باید پدافند محکم همراه با هجوم باشد، نظر ما این است که ان شاء الله لشکر کربلا به کمک لشکر نجف توی مثلث پایین کارخانه نمک آمده و لشکر کربلا هر چه می تواند لشکر نجف را کمک کند که این لشکر به سه راهی کارخانه نمک برسد. مأموریت دو طرف جاده استراتژیک با لشکر نجف است، باید با لشکر عاشورا هماهنگ شود که در سمت راست این جاده با هم الحاق کنید.» برادر غلامپور بر احداث خاکریز در کنار جاده ها و عمود بر جاده استراتژیک تأکید کرد و گفت هر چه دستگاه مهندسی هست باید برای زدن این خاکریزها جمع و هماهنگ شوند. پس از این جلسه فرماندهان لشکرها به دنبال اقدامات آمادگی رفتند.

فرمانده لشکر نجف در ساعت ۱۶ مسئولان توپخانه، ادوات و موشک ها را احضار کرد و دستور داد که همه نیروها و تجهیزات خود را برای اجرای آتش روی دشمن آماده کرده و از فردا صبح از سه راهی کارخانه نمک به سمت بالا اقدام کنند. همچنین مهندسی لشکر نجف مأموریت یافت شب هنگام به محض شروع پاکسازی، سمت راست جاده استراتژیک، قبل از کارخانه نمک، را خاکریز بلند زده و همچنین خاکریز ناقص (حدود ۷۵ کیلومتر پایین تر از کارخانه نمک، در سمت راست جاده استراتژیک) را تکمیل و مستحکم نماید. گفتنی است که مهندسی لشکر نجف تاکنون توانسته بود ۸ دستگاه لودر و بلدوزر با سوار کردن بر روی سطحه هایی که توسط نفربر خشایار کشیده می شد، از روند عبور داده و وارد منطقه درگیری نماید. فرمانده لشکر نجف که قبلاً به مسئول مهندسی تأکید کرده بود که برای دستگاه های مهندسی راننده داوطلب شهادت انتخاب کند، در توجیه مأموریت امشب و تأکید بر اهمیت آن گفت: به محض شروع درگیری در خط، خاکریز را شروع کنید. مبادا با آمدن گلوله رانندگان فرار کنند، امشب همه این راننده ها باید شهید شوند.

مأموریت گردان های لشکر نجف: فرمانده لشکر نجف ساعت

۱۷ امروز فرمانده گردان قمر بین هاشم (برادر طاهری) که گردانش امروز به غرب اروندرود منتقل شد، را توجیه کرد که امشب مأموریت دارد ضمن پیشروی در سمت چپ جاده استراتژیک، دشمن را منهدم و پاکسازی کند. همچنین گردان حضرت رسول به پیشروی و پاکسازی در سمت راست جاده استراتژیک ادامه می دهد. گردان چهارده معصوم نیز امشب به استراحت پرداخته و آماده شود تا صبح فردا جایگزین گردان حضرت رسول شود.

شرح عملیات شب سوم

فرماندهان لشکر نجف و لشکر کربلا، همچون شب های گذشته، از اوایل امشب در یکی از مقرهای قبلی دشمن در حد فاصل خاکریز اصلی و جاده استراتژیک، به فاصله ۴ کیلومتری از سه راهی نمک، مستقر شده و ضمن هماهنگی با یکدیگر به هدایت عملیات پرداختند.

در ساعت ۲۱:۳۰ با دستور فرمانده لشکر نجف گردان حضرت رسول با ۳ گروهان از سمت راست جاده استراتژیک و گردان قمر بنی هاشم با دو گروهان از سمت چپ این جاده، پیشروی خود را شروع کردند. طولی نکشید که درگیری با دشمن (در ساعت ۲۱:۵۵) شروع شد. از سنگر فرماندهی آغاز فعالیت شدید تانک ها، خمپاره ها، تیربارها و دیگر سلاح های سبک و سنگین نیروهای خط مقدم دشمن، به خوبی مشاهده می شد. علاوه بر آن، آتش سنگین توپخانه و کاتیوشای دشمن نیز شروع شد، طوری که از قرارگاه کربلا درخواست اجرای ضد آتشبار روی دشمن شد. در همین حال خبر رسید برادر زینعلی (قائم مقام فرمانده لشکر و مسئول اطلاعات لشکر نجف) که برای راهنمایی، همراه نیروهای مهندسی رفته بود، زخمی شده است. از سوی دیگر، آتش دشمن در سمت چپ جاده، پیشروی گردان قمر بنی هاشم را با مشکل مواجه کرده است و نمی تواند هماهنگ با گردان حضرت رسول به پیش برود. برادر احمد از فرماندهان دو گردان خواست، با همکاری یکدیگر خط دشمن را شکسته و جلو بروند و در تماسی با فرمانده لشکر عاشورا که می گوید نیروهای ما به خوبی پیش می روند (در سمت چپ

جاده اول) از او خواست که نیروهایش را مقداری به سمت چپ گسترش داده و به کمک گردان حضرت رسول بفرستد. در این حین سنگر محل استقرار فرمانده لشکر نجف و کربلا از آتش توپخانه و کاتیوشای دشمن شدیداً می لرزد.

در ادامه درگیری ها و در حالی که حجم گسترده آتش دشمن پیشروی نیروها را سد کرده است، فرمانده لشکر نجف به فرماندهان گردان ها که از شدت آتش شکایت دارند، چنین یادآوری می کند: «مگر شما برای این ساعات لحظه شماری نمی کردید. همه جا درگیری است دشمن دست بالا نمی کند بیاید تسلیم شود؛ باید با او جنگید. در جهاد پافشاری کنید و وقت را تلف نکنید.»

در این وضعیت برادر احمد یک نفر راهنما را فرستاد تا گروهان دیگری از گردان قمر بنی هاشم که برای احتیاط باقی مانده بود را هر چه زودتر برای کمک به بقیه گردان به منطقه درگیری برساند.

در حالی که قوای دشمن در سمت چپ جاده استراتژیک با استفاده از مواضع محکم خود، با انواع تجهیزات از جمله تانک ها و تیربارها بی وقفه روی رزمندگان آتش می ریزند طوری که آنها را زمین گیر کرده و از پیشروی باز داشته اند، حدود نیمه شب فرمانده لشکر نجف با قرارگاه کربلا تماس گرفته و می گوید: «آقای غلامپور مسئله کوثری (فرمانده لشکر حضرت رسول) و جعفری (فرمانده لشکر علی بن ابیطالب) چه شد؟ اگر سریع اقدام نکنند، مسئله مشکل می شود.»^۲

فرماندهان دو گردان باز هم از شدت آتش دشمن و افزایش شهیدان و مجروحان خبر می دهند و می گویند پیشروی ممکن نیست. فرمانده لشکر نجف ضمن یادآوری اینکه باید به هدف برسیم و اینکه اگر حالا جهاد نکنیم، کی می خواهیم جهاد کنیم. فرمانده گردان حضرت رسول را راهنمایی می کند به راست رفته و پیشروی را بدون توجه به سمت چپ جاده ادامه دهد و یک دسته نیرو هم به سمت چپ بفرستد تا از پشت به دشمن حمله کنند و راه گردان دیگر را بکشایند. به فرمانده گردان قمر بنی هاشم هم می گوید که گروهان جدید را به سمت راست

جاده بفرستد از آن سمت جلو رفته و نیروهای دشمن را از پشت دور بزنند. همچنین به توپخانه دستور اجرای آتش شدید روی دشمن می دهد.

در ساعت ۱۵ دقیقه بامداد، برادر احمد، برادر مرتضی را که در گوشه سنگر استراحت می کند، صدا زده و می گوید: وسط مثلثی یک خاکریز هست که بچه ها در گوشه آن گیر افتاده اند و دشمن از چپ با تانک و تیربار آنها را می زند، تلفات زیادی از ما گرفته، زودتر باید تصمیم گیری کنیم.

و بعد از اینکه برادر مرتضی در تماس با برادر طاهری (فرمانده گردان قمر بنی هاشم) در جریان کامل اوضاع قرار می گیرد، با برادر احمد تصمیم گرفتند که گردان یار رسول (از لشکر کربلا) که تاکنون پشت سر گردان قمر بنی هاشم (از لشکر نجف) بود، جلو افتاده پیشروی را شروع کند و گردان قمر بنی هاشم هم به دنبال آن حرکت کند.

در پی حرکت گردان یار رسول (لشکر کربلا) در سمت چپ جاده، به گردان حضرت رسول (لشکر نجف) در سمت راست جاده گفته شد با توجه به وضعیت جدید پیشروی خود را شروع کند. همچنین هر یک از دو فرمانده لشکر به یک گردان احتیاط خود اعلام آماده باش کردند.

برادر مرتضی: دیشب عمل نکردیم، امشب این طور سخت شد. در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد برادر احمد وضعیت سمت چپ جاده اول (البحار) را از فرمانده لشکر عاشورا جویا شد و با یادآوری ادامه فشار دشمن در دو طرف جاده دوم (استراتژیک) از او خواست نیروهایش را مقداری به سمت چپ کشیده و با گردان حضرت رسول الحاق دهد. همچنین به وی درباره سرعت بخشیدن به احداث خاکریز از جاده اول به سمت جاده دوم تأکید می کند (در سمت چپ جاده اول یعنی محل مأموریت لشکر عاشورا آتش دشمن سبک است) و به علت ادامه آتش شدید دشمن و عدم پیشروی گردان حضرت رسول، از مهندسی لشکر نجف خواسته شد فعلاً از احداث خاکریز خودداری کند. ساعت ۱ بامداد (۱۳۶۵/۱۷۲۳) خبرهای ضد و نقیضی از وضعیت پیشروی نیروها در سمت چپ جاده دوم می رسید، یکی از

برادرانی که از خط برگشته بود خبر از آتش تیربارها و تانک های دشمن در جناح چپ نیروهای خودی می دهد، لیکن بی سیم لشکر کربلا می گوید بچه ها به خوبی پیش می روند؛ برادر طاهری این مسئله را رد کرده و می گوید نیروهای لشکر کربلا به علت آتش شدید امکان پیشروی ندارند. در ساعت ۴:۱۰ چند نفر از برادرانی که از خط بازگشته اند می گویند دشمن از چند جانب با تیربار بچه ها را می زند. تیربارها روی جاده و سمت چپ و راست آن کار می کند و نیروهای گردان یار رسول (لشکر کربلا) زمین گیر شده و امکان پیشروی ندارند. در ساعت ۲ نیز برادری که از نزد فرمانده گردان یار رسول آمده و مجروح آورده است، می گوید: بچه ها اصلاً نمی توانند تکان بخورند، فقط مجروح و شهید می شوند. دشمن سه کالیبر (تیربار) روی جاده گذاشته، هیچ کاری نمی شود کرد.

برادر مرتضی از او می پرسد که چطور است بچه ها مقداری به چپ بروند و از پشت تیربارهای دشمن را محاصره کنند. وی جواب می دهد امکان ندارد.

فرمانده لشکر کربلا با توجه به این وضعیت، از نیروهایش خواست مقداری به سمت چپ کشیده رفته و پیشروی کنند، ولی این حرکت هم نتیجه ای نداشت.

در ساعت ۲ بامداد برادر محتاج (فرمانده قرارگاه کربلا) در تماسی جویای وضعیت می شود، برادر احمد جواب می دهد: «وضع خوب نیست، نیروی دشمن زیاد است. مرتضی هم مقداری نیرو وارد کرده ولی مشکلاتی وجود دارد. اینجا مسئله دارد، چپ و راست از نیروی دشمن شلوغ است، خلاصه وضع ما به این شکل است، شما در جریان باشید، مشکلات خیلی زیاد است. مرتضی هم خیلی تلاش کرد ولی وضعیت این شکلی است، این کار باید دیشب انجام می گرفت، برادران نکردند و نیامدند، مطلب به این صورت شد.»

دقایقی بعد فرمانده لشکر نجف برای حل مشکلات این محور، پیشنهادی به فرمانده قرارگاه کربلا ارائه می کند:

«فقط اگر از بالا به طرف پایین بیایید مسئله حل می شود و گرنه، خیر»^۵

ساعت ۲:۲۵ بامداد رزمنده‌ای که از خط درگیری بازگشته با ناراحتی داد می‌زند که چرا به فکر بچه‌ها نیستید، چرا تعدادی آمبولانس برای انتقال مجروحین نمی‌فرستید.^۶

عقب نشینی

ساعت ۲:۳۰ بامداد: آتش دشمن هر لحظه شدیدتر می‌شود، نیروهای خودی (دو گردان از لشکر نجف و دو گردان از لشکر کربلا) در این منطقه زمینگیر شده و امکان پیشروی ندارند. تانک‌ها و تیربارهای دشمن در مقرها و مواضع پراکنده و با استفاده از خاکریزهای محکمی که در این مقرها احداث شده کاملاً بر منطقه مسلط بوده و امکان حرکت را از بچه‌ها سلب کرده‌اند، مهمات رو به پایان است.^۷ با توجه به مکالمات بی‌سیم که به صورت کشف بوده و نیروهای درگیر با دشمن وضعیت خود را کاملاً ضعیف و دشمن را قوی گزارش کرده (توسط بی‌سیم) و بعضاً خواستار عقب‌نشینی بودند، دشمن را امیدوارتر کرده و در اجرای آتش و جلوگیری از پیشروی ما، مصمم‌تر شده است، به خصوص که تنها نیروهای پیاده‌بادشمن درگیر بوده و هنوز استفاده از تانک میسر نشده است.

با توجه به وضعیت موجود و اطمینان از امکان ناپذیری پیشروی و پاکسازی دشمن، فرماندهان لشکر نجف و کربلا ضمن مشورت و هماهنگی با یکدیگر تصمیم گرفتند که نیروها را به عقب‌بازگردانند، لذا در ساعت ۲:۳۵ بامداد برادر احمد به گردان قمر بنی هاشم دستور عقب‌نشینی داد و به آنها تأکید شد که کلیه شهدا و مجروحان باید تخلیه شده و چیزی جانماند. در پی آن به گردان حضرت رسول نیز دستور عقب‌نشینی داده شد.

همچنین برادر مرتضی قربانی نزدیک ساعت ۳ بامداد به نیروهایش دستور عقب‌نشینی داد و بدین ترتیب عملیات شب سوم در محور جاده فاو بصره پایان گرفت.

علت اصرار بر مقاومت و پیشروی

فرماندهان لشکر نجف و کربلا هر دو اصرار بر پیشروی و پاکسازی پایین کارخانه نمک داشتند و تمام امکانات ممکن و تدابیر لازم را در این زمینه به کار گرفتند، این پافشاری چند علت اساسی داشت:

در عملیات‌های گذشته تجربه شده بود و شب گذشته (شب دوم) هم چند بار برادر احمد تأکید کرد در صورتی که به دشمن مهلت داده شود و زودتر پاکسازی نشود، دشمن با محکم کردن جای پای خود و وارد کردن تجهیزات زرهی بیشتر، امکان پیشروی را سلب خواهد کرد، همان‌طور که امشب نیروهای جدیدی از دشمن در این منطقه وارد شده بودند.

لزوم دستیابی به یک خط پدافندی مستحکم: حداقل برای حفظ منطقه مهمی که تاکنون آزاد شده است نیاز به ایجاد خاکریزی مستحکم و بلند می‌باشد که لازمه احداث آن پاکسازی دشمن و امکان شروع کار مهندسی در شرایط مناسب بود.

لزوم محدود کردن دشمن و جلوگیری از امکان مانور وسیع زرهی دشمن: برای این منظور فرماندهان کوشش می‌کردند جنوب کارخانه را از قوای دشمن پاکسازی کرده و آنها را در دو طرف کارخانه نمک محدود کنند.

احتمال آب‌اندازی در منطقه تصرف شده: برادر احمد در توجیه برادر اعتصامی می‌گوید: «اگر دشمن در این قسمت (پایین کارخانه نمک) منهدم نشود، فردا آب را زیر بچه‌ها باز کرده و دیگر نمی‌توانیم تکان بخوریم.»

این نکات که نقش اساسی در حفظ پیروزی‌های به دست آمده و تکمیل آن داشت، سبب می‌شد که با وجود شدت آتش دشمن و تحمل تلفات، به نیروهای درگیر برای پیشروی فشار آورده شود، ولی بعد از حدود چهار ساعت و نیم درگیری با دشمن و تعویض نیرو و در سمت چپ جاده، پیشروی میسر نشد.

روز سوم عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۳)

عملیات شب گذشته در محور جاده استراتژیک و جنوب کارخانه نمک که با تلاش لشکر نجف و با کمک لشکر کربلا انجام گرفت، به علت عدم شناسایی دقیق، خالی بودن جناح چپ، آتش شدید دشمن و نبودن مواضع مستحکمی برای استفاده نیروهای خودی، موفقیتی در پی نداشت و به نیروها دستور برگشت داده شد. همچنین شب گذشته به فاصله ۷۵ کیلومتر عقب‌تر از خط درگیری، خاکریزی بین دو جاده اول و دوم با همت لشکر عاشورا احداث شد و کمی جلوتر از این

خاکریز، جاده دوم بابلدوزری شکافته شده تاراه عبور وسایل سنگین دشمن از طریق این جاده سد شود. قبل از طلوع آفتاب گردان قمر بنی هاشم مأمور شد که پشت خاکریز جدید و شکاف فوق مستقر شود، گردان حضرت رسول هم قرار شد با جمع آوری مجروحان و آوردن شهیدانی که شب گذشته در منطقه درگیری باقی مانده، همه نیروهای خود را برای استراحت و بازسازی به پشت خاکریز اصلی (عقب) انتقال دهد. همچنین واحداوات مأموریت یافت که پشت خاکریز جدید و شکاف جاده مستقر شود و دستور انتقال فوری تانک ها به غرب ارونند نیز داده شد.

برنامه ریزی ادامه عملیات

با توجه به وضعیتی که شب گذشته نیروها با آن مواجه شدند، تدبیر جدیدی برای پاکسازی دشمن در این منطقه (جاده استراتژیک و جنوب کارخانه نمک) لازم بود، لذا فرمانده لشکر نجف به بررسی چگونگی پاکسازی این منطقه را از طریق محور ام القصر و زدن از پشت به دشمن از طریق جاده پایین کارخانه نمک پرداخت. بدین منظور ۲ نیروی اطلاعات در ساعت ۶:۴۵ برای شناسایی عازم این محور شدند و پس از یک ساعت شناسایی برگشته و گزارش دادند که جاده ام القصر تا کارخانه نمک و ساختمان های گوشه جنوب غربی این کارخانه به تصرف نیروهای خودی درآمده و نیروهای لشکر علی بن ابیطالب در جاده جنوبی کارخانه به طرف پایین باقوای دشمن درگیر هستند و حدود یک کیلومتر از دیوار جنوبی کارخانه در تصرف نیروهای این لشکر می باشد. به علاوه داخل دریاچه نمک کاملاً آب است که از سیل بند نشست کرده و پایین کارخانه قابل تردد برای خودرو نیست و تنها نیروی پیاده می تواند در شانه سیل بند مستقر شود.

در ساعت ۸:۴۰ فرماندهان لشکر نجف و لشکر کربلا برای بررسی محور لشکر علی بن ابیطالب و امکان ادامه عملیات از این محور، با جیب از جاده ام القصر راهی جنوب غربی کارخانه نمک شدند. در بین راه فرمانده لشکر علی بن ابیطالب رادیده و به گفت وگو پرداختند. برادر جعفری (فرمانده لشکر

علی بن ابیطالب) گفت: «ما تا یک کیلومتر از دیواره جنوبی کارخانه را هم گرفتیم اما نیرو نداریم ادامه دهیم، الان دشمن از ۲ جناح ستون کرده دارد می آید (جاده ام القصر و دیواره کارخانه)، اگر نیرو باشد می توان در روز ادامه داد، شب دیر است.»

احمد و مرتضی ضمن بازدید خط از نزدیک و مشورت با یکدیگر تصمیم گرفتند که نیروهای خود را از محور لشکر علی بن ابیطالب (دیواره جنوبی کارخانه) وارد عمل نمایند و از این طریق اهدافی را که در دو شب گذشته دست نیافتند، تأمین کنند.

برادر جعفری نیز پذیرفت که با گذاشتن خودرو در اختیار این دو لشکر، آنها را در انتقال نیرو کمک کند.

دشمن در مثلث سمت چپ جاده استراتژیک و پایین کارخانه نمک (جاده استراتژیک خط لوله جاده شنی پایین کارخانه) حضوری فعال و گسترده داشت و حضور خود را در سمت راست جاده استراتژیک نیز حفظ کرده بود، طوری که نیروهای لشکرهای نصر، امام حسین، نجف و علی بن ابیطالب خطی نعلی شکل را تشکیل داده بود که نیروهای دشمن در دل آن قرار داشتند و شاید علت عدم اجرای پاتک اساسی در محور جاده استراتژیک فاو بصره تاکنون، ترس و عدم اطمینان دشمن از جناحین این جاده بود که نیروهای خودی مستقر بودند.

بعد از بازدید منطقه فرماندهان لشکر نجف و لشکر کربلا تصمیم گرفتند که نیروهای خود را از محور کارخانه نمک وارد و از پشت به دشمن بزنند. احمد و مرتضی پشت خاکریزی که از جاده استراتژیک به پایگاه موشکی سمت راست جاده ام القصر متصل می شد، در نزدیک جاده استراتژیک مستقر شدند.

قسمتی از این خاکریز که نیروهای لشکر علی بن ابیطالب پشت آن دفاع می کردند، تحویل لشکر نجف و لشکر کربلا شد، که طبق دستور فرمانده لشکر نجف، گردان چهارده معصوم در ساعت ۱۱ در پشت بخشی از این خاکریز مستقر شد.

فرماندهان لشکر نجف و لشکر کربلا با مشاهده و بررسی وضعیت زمین و موانع و همچنین استعداد دشمن از نزدیک، به

نتیجه رسیدند که به دلیل حضور گسترده نیروها، تانک‌ها و دیگر تجهیزات ارتش عراق در این منطقه، حمله به دشمن در روز امکان موفقیت ناچیز دارد، لذا از عملیات در روز منصرف شدند.

وضعیت و فعالیت دشمن در روز سوم عملیات

علاوه بر فعالیت نیروهای دشمن در خط که شامل سلاح‌های سبک و انفرادی و تیراندازی و مانور تانک‌ها بود، توپخانه و هواپیماهای دشمن شدیداً آتش می‌ریختند. آتش توپخانه دشمن لحظه‌ای قطع نمی‌شد، هر چند گاهی ضعیف ولی غالباً شدید و گسترده بود که گاهی به توپخانه لشکر نجف دستور تشدید آتش در خط داده می‌شد که در انهدام و تضعیف روحیه دشمن خیلی مؤثر بود.

هواپیماهای دشمن در تیم‌های چند فروندی بمباران منطقه عملیاتی مخصوصاً شهر فاو و اطراف آن و کنار اروند و محل اسکله‌ها را از ساعت ۷:۳۰ صبح آغاز کردند و تا شروع تاریکی شب ادامه دادند. حدود ساعت ۱۸ تعداد ۲۶ هواپیمای دشمن به فاصله کمی از یکدیگر، منطقه را بمباران شیمیایی کردند.

نکته قابل توجه اینکه با وجود آتش پر حجم توپخانه و بمباران‌های گسترده هوایی دشمن، در طول سه روز گذشته بر خلاف انتظار فرماندهان هیچ‌گونه حرکت زمینی جدی و اساسی از دشمن در محور جاده فاو - بصره برای بازپس‌گیری مناطق آزاد شده مشاهده نشد و تنها به پدافند شدید این محور اکتفا نمود. با توجه به شناختی که فرماندهان در عملیات‌های گذشته از دشمن داشتند، این مسئله تعجب آنهارا برانگیخته بود.

در این باره دو احتمال وجود داشت: اول، به دلیل نعلی شکل بودن خط کنونی خودی، دشمن در صورت پیشروی احتمال محاصره نیروهایش را می‌داد. احتمال دوم اینکه دشمن همه توان و تلاش خود را در محور اول (از جاده البحار تا رودخانه) متمرکز کرده بود تا مسئله آن محور را حل کرده و با پس‌گیری منطقه آزاد شده در آن محور، نیروهای خودی را در دو محور دیگر محاصره کند.

مشکل تدارک خط

تدارک آب و غذا و مهمات برای نیرویی که در منطقه‌ای گسترده، پراکنده و دائم در حال تغییر مکان است از مشکلات اساسی بود، مخصوصاً وقتی که تدارک‌کنندگان و رانندگان آشنایی کافی به منطقه نداشته و منطقه هم به جز جاده‌های آسفالت، شاخص کافی ندارد و خاکریزهای متعدد و پراکنده هم احداث شده باشد. علاوه بر اینها، مشکل وضعیت طبیعی زمین می‌باشد که غالباً باتلاقی بوده و قابل عبور خودرو نیست. این مسائل سبب شده بود که گروهان تدارک رزمی لشکر نجف که تأمین آب و غذا و مهمات نیروهای این لشکر را در غرب اروند به عهده داشت، دچار مشکلاتی شده و به خوبی نتواند مأموریت خود را در این دو روز انجام دهد و غالباً با تأخیر مواجه می‌شد. مشکل اصلی برادران تدارکات رزمی، پیدا کردن گردان‌های لشکر بود. فرمانده این گروهان که بعد از ظهر امروز توانسته بود پس از جست‌وجوی بسیار، محل استقرار فرمانده لشکر را پیدا کرده و نهار بیاورد، به برادر کاظمی می‌گفت من باید تاکتیک خود را عوض کرده و خودم همراه شما حرکت کنم تا بتوانم برادران تدارک‌کننده و رانندگان را راهنمایی کنم.

دستور آمادگی به گردان‌ها

تا امروز ۳ گردان از لشکر نجف وارد منطقه و درگیر عملیات شده‌اند، بعد از ظهر امروز هم گردان علی اکبر وارد منطقه و پشت خاکریز اصلی مستقر شد. به این گردان و گردان حضرت رسول برای عملیات امشب دستور آمادگی داده شد. گردان قمر بنی‌هاشم پشت خاکریز خط مقدم سمت راست جاده استراتژیک و گردان چهارده معصوم نیز پشت خاکریز خط مقدم در سمت چپ این جاده مستقر می‌باشند.

طرح مانور و هماهنگی عملیات شب چهارم

پس از بررسی‌ها و شناسایی‌هایی که فرماندهان دولشکر نجف و کربلا تا ظهر امروز از موقعیت و وضعیت دشمن در منطقه پایین کارخانه کردند، به این نتیجه رسیدند که:

۱- لشکر نجف از محور جاده استراتژیک وارد عمل شود به این صورت که تلاش اصلی در سمت چپ جاده با هدف پاکسازی سنگرها و مواضع تانک و قرارگاه‌های دشمن در این قسمت

اجرا شود و تا کارخانه نمک پیشروی نماید و همچنین در سمت راست این جاده به عنوان تلاش فرعی تاسه راهی کارخانه نمک پیشروی نماید.

۲- لشکر کربلا در امتداد خط لوله (ضلع سمت چپ مثلث که در نقشه مشخص شده) حرکت کرده و تا کارخانه نمک و خط لشکر علی بن ابیطالب پیشروی نماید و از آنجا به پهلوی دشمن بزند و در سه راهی کارخانه روی جاده آمده و بالشکرهای نجف و علی بن ابیطالب الحاق کند.

هنگام عصر حسین خرازی و ابوشهاب (فرمانده و جانشین لشکر امام حسین) نزد احمد و مرتضی آمدند.

در هماهنگی هایی که بین این فرماندهان برای عملیات امشب به عمل آمد قرار شد نیروهای لشکر امام حسین سمت چپ جاده اول (البحار) را پاکسازی نموده و با نیروهای لشکر نجف الحاق کنند و پشت خاکریز ناقصی (۷۵ کیلومتری کارخانه نمک حد فاصل جاده اول و دوم) که قرار است امشب توسط لشکر عاشورا تکمیل گردد، مستقر شوند.

برای هماهنگی بیشتر و جلوگیری از تمرکز فشار دشمن بر یک محور، فرماندهان سه لشکر توافق کردند که ساعت ۱۹ امشب هماهنگ با یکدیگر با اعلام رمزی "یا فاطمه الزهرا (س)" عملیات را شروع کنند.

همچنین مسئولان جهاد سازندگی که قسمتی از فعالیت های مهندسی امشب را به عهده داشتند، از نزدیک منطقه و حاشیه جاده استراتژیک را شناسایی و اعلام کردند که به علت باتلاقی بودن کنار جاده، امکان احداث خاکریز روی جاده و یا خیلی نزدیک به آن وجود ندارد، لذا قرار شد که امشب خاکریز را با فاصله از جاده استراتژیک و به موازات آن احداث کنند.

آخرین تدابیر و هماهنگی قبل از شروع عملیات

حدود ساعت ۱۹:۳۰ دو نفر از دیده بانان لشکر نجف خبر دادند که دشمن همه تانک هایش را تا دیواره کارخانه نمک عقب کشیده و در آنجا مستقر کرده به طوری که تجمع تانک زیادی در آنجا وجود دارد. با توجه به چنین وضعیتی، این تدبیر اندیشیده شد که برای حصول موفقیت در مانور امشب لازم است که

لشکر علی بن ابیطالب از جاده پایین کارخانه نمک به دشمن فشار بیاورد، لذا فرمانده لشکر نجف طی تماسی با قرارگاه کربلا ضرورت این اقدام را گوشزد کرد. برادر غلامپور که در توانایی لشکر علی بن ابیطالب برای این کار تردید داشت، از فرماندهان دو لشکر نجف و کربلا خواست که خودشان چنین اقدامی نکنند، یعنی از خط لشکر علی بن ابیطالب عبور کرده و از آنجا به دشمن فشار بیاورند، ولی برادر احمد تأکید می کرد که لشکر علی بن ابیطالب چنین اقدامی نکند و ضمن تماس با فرمانده این لشکر از وی خواست که با فشار به دشمن روی جاده پایین کارخانه، لشکرهای نجف و کربلا را یاری دهد که برادر جعفری پذیرفت حتی المقدور این کار را بکند.

شرح عملیات شب و روز چهارم: هجوم به گارد ریاست جمهوری عراق

گردان چهارده معصوم

ساعت ۲۱: با دستور فرمانده لشکر نجف، گردان چهارده معصوم حرکت خود را به سوی دشمن از سمت راست خط لوله (ضلع سمت چپ مثلث پایین کارخانه) شروع کرد. در همین ساعت لشکر امام حسین نیز برای حرکت اعلام آمادگی کرد و دقایقی قبل نیز یک گردان لشکر کربلا حرکت خود را در سمت چپ خط لوله شروع کرد.

گردان چهارده معصوم بدون درگیری یک کیلومتر در کنار خط لوله پیشروی کرد و از آنجا به سمت راست (عمود بر خط لوله)، یعنی به طرف جاده استراتژیک ادامه حرکت داد و با اعلام رمز عملیات در ساعت ۲۲، درگیری با دشمن را شروع کرد. با شروع درگیری فعالیت تیربارهای دشمن که به تعداد زیاد و پراکنده و به فاصله کمی از زمین آرایش یافته بود، شدت گرفت و تانک های دشمن با روشن کردن نورافکن های قوی خود، مانور را شروع کردند.^۸ علاوه بر منوره های بسیار زیادی که نیروهای در خط دشمن در هوا شلیک می کردند، هوایمای دشمن نیز منوره هایی با حجم و دوام زیاد می ریخت طوری که منطقه کاملاً روشن شده بود. برای پراکنده کردن آتش دشمن به فرمانده گردان قمر بنی هاشم که نیروهایش سمت راست جاده

پشت خاکریز مستقر بودند گفته شد که یک دسته ایزدایی به جلو بفرستد تا توجه دشمن به این سمت جلب شود.

در همین حال گردان لشکر کربلا در سمت چپ خط لوله در حرکت بود و هنوز (نزدیک ساعت ۲۳) با دشمن درگیر نشده به طوری که دشمن همه توان خود را در مقابله با گردان چهارده معصوم به کار گرفته و آتش سنگینی روی این گردان اجرا می کند و نیروهای این گردان را زمینگیر کرده است.

در این حال برادر احمد به فرمانده یکی از گروهان های گردان چهارده معصوم گفت: «همه بچه ها را جمع و جور کرده و از طرف چپ (خط لوله) رفته و با گردان لشکر کربلا الحاق کنید»، که وی جواب داد: «اگر ۱۰ گردان هم وارد کنید آنها را قتل عام می کنند. دشمن به صورت ضربداری رگبار می زند، علاوه بر آن همه کسانی که برگشته اند اسلحه هایشان را انداخته و عقب آمده اند.» (ظاهراً برای حمل مجروحین به عقب این کار را کرده اند) که برادر احمد به وی تأکید می کند بچه ها را جمع کنید، اسلحه جور می شود. وی به توپخانه دستور تشدید آتش روی دشمن را داد.

نیروهای لشکر کربلا حدود ساعت ۲۳:۴۵ خبر رسیدن خود را به جاده اسفالت دوم دادند، که برادر مرتضی ضمن تماس با دو لشکر علی بن ابیطالب و امام حسین از آنها خواست که برای الحاق با نیروهای لشکر کربلا از سمت چپ و راست تلاش کنند.

اجرای آتش شدید دشمن ادامه دارد. نیروهای لشکر کربلا پس از گذشت زمان کمی از رسیدن به جاده، خبر از رسیدن به سه راهی می دهند. فرمانده لشکر کربلا از فرمانده لشکر نجف می خواهد که گردانی تازه نفس وارد عملیات کرده و برای الحاق با نیروهای لشکر کربلا تلاش کنند. از طرف دیگر تماس فرمانده لشکر نجف با گردان چهارده معصوم قطع شده و تلاش برای تماس بی نتیجه است. در این بین نیروهای این گردان به صورت پراکنده به عقب برگشته و از شدت آتش دشمن و افزایش مجروحان خبر می دهند. در ساعت ۱:۳۰ بامداد (۱۳۶۴/۱۷/۲۴) برادر اعتصامی نزد برادر احمد آمده و می گوید

نیرو نداریم. در همین حال نیروهای لشکر کربلا سخت با دشمن درگیر بوده و هنوز با نیروهای لشکر امام حسین و علی بن ابیطالب الحاق انجام نگرفته است. برادر مرتضی باز از برادر احمد درخواست کمک می کند. به دنبال آن برادر احمد از برادر اعتصامی می خواهد که نیروهایش را جمع و جور کرده و به کمک لشکر کربلا بروند. برادر اعتصامی می گوید: «من تنها می روم، نیرویی برایم نمانده است.» که برادر احمد به او گفت: «نیروهایت را جمع و جور کرده و بروید پشت خاکریز اصلی (عقب) مستقر شوید.»

ساعت ۱:۵۰ بامداد: در حالی که برادر احمد تردید دارد که آیا وارد کردن گردان جدید مؤثر خواهد بود یا نه؟ ولی با افزایش فشار دشمن بر نیروهای لشکر کربلا و درخواست مکرر برادر مرتضی، فرمانده لشکر نجف به گردان علی اکبر دستور حرکت داد.

در ساعت ۲:۲۵ برادر غلامپور (قرارگاه کربلا) تماس گرفته وضعیت را جویا شده و می پرسد چه می کنید؟ کارتان را انجام داده اید؟ که گفته شد که داریم یک گردان دیگر وارد می کنیم. در همین ساعت تعدادی از نیروهای تعاون (تخلیه مجروحین و شهدا) که راه را گم کرده بودند به مقر فرماندهی رسیدند که برای آوردن شهدا و مجروحین راهنمایی شدند.

گردان علی اکبر

گردان علی اکبر به فرماندهی برادر جمالی حدود ساعت ۲ بامداد از پشت خاکریز اصلی (عقب) حرکت کرده و در ساعت ۳ بامداد به پشت خاکریز محل استقرار فرماندهی لشکر رسید (خاکریزی که از پایگاه موشکی سمت راست جاده ام القصر به جاده دوم متصل می شد). فرمانده، معاونین و فرماندهان گروهان های این گردان را برادر سیف الله رهنما) "جانشین فرمانده لشکر نجف) به مأموریت خود توجیه کرد. این گردان مأموریت یافت از جلوی همین خاکریز به طرف خط لوله رفته و وقتی به این لوله رسید با گرای ۲۰ درجه به طرف دشمن پیشروی کرده و در دو مقر دشمن که سمت راست خط لوله در داخل مثلث بود مستقر شده و به جناح راست دشمن بزند برادر

احمد هم ضمن اظهار تعجب از مقاومت نیروهای دشمن در این محور گفت: «دو گردان عراقی در محاصره اند ولی ببینید چگونه می جنگند.»

گردان علی اکبر پس از توجیه، حدود ساعت ۴ بامداد (۱۳۶۴/۱۷۲۴) به طرف دشمن حرکت کرد و بخشی از راه توسط برادر سیف الله راهنمایی شد. این گردان پیشروی می کرد و تماسی نداشت. «هواپیمای دشمن منور می ریخت. با توجه به شدت آتش توپخانه دشمن، به مسئول توپخانه گفته شد ضد آتشبار اجرا کند.

فرمانده گردان علی اکبر بعد از یک ساعت از شروع حرکت (ساعت ۵:۱۵)، اعلام کرد بچه ها به جاده شنی پایین کارخانه رسیده اند که در آنجا بارانمایی برادران لشکر علی بن ابیطالب، از کنار جاده شنی پیشروی به طرف سه راهی (تقاطع جاده شنی تا جاده استراتژیک) را شروع کرده اند.

ساعت ۶ بامداد خبرهایی مبنی بر الحاق ۳ لشکر، امام حسین، کربلا و علی بن ابیطالب، می رسید. برادر احمد از برادر جمالی (فرمانده گردان علی اکبر) خواست که سریع تر به سمت راست جاده استراتژیک رفته و با انهدام و پاکسازی مقرهای دشمن به طرف پایین بیاید.

با روشن شدن هوا فعالیت گردان ذوالفقار (گردان ادوات و موشک های لشکر نجف) شروع شد و به اجرای آتش و زدن تانک ها و دیگر تجهیزات دشمن پرداختند. از طرف دیگر هواپیماهای دشمن بمباران را شروع کردند (از ساعت ۷:۱۵) و فعالیت تیربارهایش قطع نمی شد. اکثر نیروهای دشمن (حدود ۲ گردان) در یک قرارگاه جمع شده و با استفاده از خاکریز دور تا دور آن نیروهای خودی را از چند جهت زیر آتش تیربارهای خود گرفته اند. برای انهدام نیروهای باقی مانده دشمن دو لشکر کربلا و نجف در تلاشند. نیروهای لشکر کربلا تلفات زیادی داده و به شدت خسته اند. برادر احمد و برادر مرتضی طی تماس های مکرر از فرمانده لشکر امام حسین که نیروهایش در سه راهی با دشمن درگیرند، درخواست کمک برای انهدام نیروهای باقیمانده دشمن در منطقه می کنند. در ساعت ۷:۴۰

برادر احمد در تماسی به برادر خرازی می گوید:

«مسئله را حل کنید، شما و جعفری (لشکر علی بن ابیطالب) اگر به طرف ما و مرتضی نیاید ناجور است دشمن، دشمن همه است، مادر سه جبهه خط داریم، فعالیت کنید و دست بگذارید در دست بچه های مرتضی.»

بر اثر اصابت توپ های شیمیایی دشمن در اواخر شب گذشته در منطقه درگیری، خیلی از نیروهای لشکر کربلا شیمیایی شده اند که روی چشم های آنها اثر گذاشته و باروشن شدن هوا، توانایی باز کردن چشم هایشان را نداشتند و دیگر نیروهای این لشکر هم خسته شده اند. به همین دلیل به گردانی از لشکر کربلا که با دشمن درگیر بود، در اوایل صبح دستور برگشت داده شد و دو گروهان جدید از نیروهای این لشکر به طرف قرارگاه دشمن فرستاده شدند.

حضور دشمن گسترده بود، توانایی رزمندگان نیز کاهش یافته بود، یگان های دیگر هم از وارد کردن نیروهای جدید خودداری می کردند. به توان بیشتری نیاز بود تا نیروهای دشمن که از شب گذشته تاکنون درگیر بودند و نسبتاً در محاصره قرار داشتند، ولی هنوز مقاومت می کردند، منهدم یا تسلیم شوند.

برادر احمد از برادر جمالی می خواهد در انهدام نیروهای دشمن کوشیده و زودتر منطقه را پاکسازی کند.

با گذشت زمان و روشنی هوا، نیروهای دشمن به تدریج به موقعیت خود آشنا شدند و عده ای به محاصره خود پی می برند و عده ای دیگر که قبلاً متوجه محاصره خود شده اند، سعی در پیدا کردن راه فرار دارند. تعدادی از نیروهای دشمن که خود را ناتوان از فرار می بینند و مهماتشان هم رو به اتمام است گروه گروه تسلیم می شوند و تعداد بیشتری با هجوم به نیروهای لشکر علی بن ابیطالب (ع) و لشکر امام حسین، از دو طرف جاده استراتژیک (از پایین کارخانه نمک و از حدفاصل جاده اول و دوم می گریزند. همچنین عده ای از آنها در منطقه سرگردانند. با ورود دو تانک خودی به منطقه درگیری در ساعت ۹:۳۰ و هدف قراردادن قرارگاه بزرگی که نیروهای دشمن در آن تجمع کرده اند، افراد بیشتری از دشمن تسلیم شده و روحیه رزمندگان

تقویت می‌گردد.

درگیری نیروهای خودی و دشمن ادامه دارد و چند تانک دشمن هم در منطقه مانور می‌کنند. از حدود ساعت ۸:۳۰ ارتباط بی‌سیم بین فرماندهی لشکر نجف و گردان علی اکبر قطع شده است و تنها برادرانی که از محل درگیری برمی‌گردند خبر از چگونگی مقابله با دشمن می‌دهند. دشمن به تدریج توانایی خود را از دست می‌دهد. در ساعت ۱۰:۳۰ برادر احمد و برادر مرتضی با خود روزره‌ی (خشایار) از خاکریز محل استقرار خود (۲ تا ۳ کیلومتری محل درگیری) جلوتر رفته تا در جریان آخرین وضعیت نیروهای خودی و دشمن و منطقه قرار گیرند.

مشکل عمده تقریباً حل شده بود و باقیمانده نیروی دشمن در منطقه بسیار ضعیف بود. خاکریزهایی که قرار بود شب گذشته از سه راهی کارخانه نمک بین دو جاده اول و دوم و کنار جاده دوم احداث شود، به علت عدم پاکسازی منطقه و حضور دشمن، احداث نشد، ولی قبل از ظهر امروز مقداری از جاده استراتژیک (دوم) جلوتر از سه راهی شکافته شد (توسط لشکر امام حسین) تا از عبور سریع و راحت تانک‌ها و خودروهای دشمن جلوگیری شود و به دنبال آن هم دستگاه‌های مهندسی (لودر و بولدوزر) برای احداث خاکریز شروع به کار کردند.

وضع گردان علی اکبر: تا بعد از ظهر امروز درگیری‌ها به طور پراکنده ادامه داشت، سازمان گردان علی اکبر به علت مجروح شدن فرمانده گردان و شهادت معاون اول و همچنین شهید و مجروح شدن غالب افراد کادر این گردان از هم پاشیده شده است. به نیروهای این گردان که تاکنون (ساعت ۱۵) در خط هستند هنوز آب و غذا نرسیده است.^۳ دو نفر از برادران اطلاعات لشکر که ساعت ۱۵ از خط برگشته‌اند چنین گزارش می‌دهند:

«دشمن در منطقه درگیری شیمیایی ریخته که بسیاری از نیروهای عراقی شیمیایی شده بودند، عده‌ای از آنها را می‌خواستیم بیاوریم که نیامدند. دیگر نیروهای دشمن غالباً برای اسارت آماده‌اند، ولی کسی نیست که آنها را بیاورد. سمت راست جاده دوم از دشمن خالی شده و افراد باقیمانده دشمن به

سمت چپ جاده رفته و غالباً از شکافی که در خط لشکر علی بن ابیطالب به وجود آورده‌اند از طریق کارخانه نمک فرار کرده‌اند. از ۸ تانک دشمن که در منطقه مانور می‌داد، ۵ دستگاه آن را بچه‌ها منهدم کرده‌اند و غالب مقرهای دشمن در تصرف نیروهای خودی درآمده است، از گردان علی اکبر چند نفر (سالم) بیشتر ندیدم، سی یا چهل نفر هم مجروح بودند.»

به دنبال گزارش فوق، برادر احمد برادر سیف‌الله را مأمور کرد که نیروهای گردان علی اکبر را جمع‌جور کرده و عقب بیاورد. همچنین به گردان قمر بنی‌هاشم آمادگی داده شد که امشب پدافند جاده را به عهده گیرد و به فرماندهان دو گردان حضرت رسول و چهارده معصوم هم گفته شد که نیروهای خود را برای آوردن برادران جا مانده (شهید یا مجروح) در منطقه درگیری آماده کنند.

در ساعت ۱۷:۱۵ برادر فتوحی (معاون لشکر علی بن ابیطالب) خبر داد که حدود ۱۰۰ نفر از نیروهای لشکر نجف در خط لشکر علی بن ابیطالب (پایین کارخانه) هستند. که قرار شد این نیروها به عقب برگردند.

با توجه به اهمیت این منطقه، باز از بعد از ظهر دشمن با توان و سرعت زیاد شروع به اجرای آتش روی جاده استراتژیک کرد و تانک‌ها و زرهی دشمن فشار روی جاده گذاشته که به دلیل نبودن خطی مناسب در امتداد سه راهی کارخانه (بین جاده اول و دوم)، با وارد ساختن تلفاتی به نیروهای لشکر امام حسین و لشکر علی بن ابیطالب، سه راهی را پس گرفت و در انتهای روز چهارم عملیات، آخرین وضعیت به این صورت است که نیروهای خودی حدود یک کیلومتری جنوب کارخانه روی جاده و در سمت چپ جاده هم لشکر علی بن ابیطالب با فاصله‌ای از سه راهی مستقر شده‌اند. عصر امروز همانند روز گذشته تعداد زیادی از هواپیماهای دشمن منطقه را بمباران شیمیایی کردند.

حجم مناسب آتش خودی: نکته قابل توجه، پشتیبانی مناسب و پر حجم آتش دور و نزدیک خودی بود. در روزهای گذشته آتش توپخانه خودی کمک مؤثری به نیروهای رزمنده کرد و با اجرای

آتش روی دشمن، از توان و روحیه دشمن در مقابله با نیروهای خودی کاسته می شد، در این روز (روز چهارم) آتش توپخانه از حجم بی سابقه ای برخوردار بود و در شکستن مقاومت نیروهای گارد ریاست جمهوری عراق خیلی مؤثر بود علاوه بر این، آتش نزدیک (ادوات و موشک ها...) با اجرای دقیق روی نیروها و تجهیزات در خط دشمن، خیلی به حل فشار دشمن کمک کرد و در مجموع آتش از عوامل مهم موفقیت در این مقطع بود، طوری که فرماندهان بارها رضایت خود را از آتش پشتیبانی ابراز می داشتند.

شب پنجم عملیات

طرح ریزی عملیات

ساعت ۱۵ امروز (۱۳۶۴/۱۷/۲۴) برادر غلامپور همراه برادر عزیز جعفری (فرمانده قرارگاه نجف) نزد برادر احمد و برادر مرتضی آمدند که بعد از صحبت درباره وضعیت کنونی و چگونگی ادامه عملیات، برادر غلامپور گفت از امشب مسئولیت این محور (جاده استراتژیک و جناحین آن) به عهده برادر عزیز جعفری می باشد.

با توجه به واگذاری مسئولیت محور دوم عملیات به قرارگاه نجف، ساعت ۱۷:۱۵ جلسه ای با حضور برادران: عزیز جعفری، امین شریعتی، حسین خرازی، احمد کاظمی، مرتضی قربانی و فتوحی (معاون لشکر ۱۷) برای برنامه ریزی عملیات امشب برقرار گردید، که بعد از بحث، هدف کلی عملیات امشب پاکسازی منطقه و تصرف قرارگاه های دشمن در اطراف سه راهی و همچنین احداث خاکریز در حدفاصل جاده اول و دوم از حدود سه راهی کارخانه نمک تعیین شد.

مأموریت لشکر نجف با توجه به کمبود نیروی آن، پاکسازی مقرهای دشمن در پایین جاده شنی (جنوب کارخانه نمک) تعیین گردید.

به دنبال مشخص شدن مأموریت لشکر نجف، برادر احمد این مأموریت را به گردان قمر بنی هاشم واگذار کرد تا با کمک نیروهایی از گردان حضرت رسول که برای عملیات آمادگی دارند، این مأموریت را انجام دهند.

شرح عملیات شب پنجم

در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۱۳۶۴/۱۷/۲۴ به گردان قمر بنی هاشم دستور حرکت داده شد، نیروهای این گردان که به سمت چپ جاده استراتژیک پشت خاکریزی که از پایگاه موشکی (سمت راست جاده ام القصر) به این جاده متصل شده مستقر بودند، در این ساعت از سمت راست خط لوله به طرف کارخانه نمک حرکت کرده و حدود ساعت ۱ بامداد (۱۳۶۴/۱۷/۲۵) به نیروهای لشکر علی بن ابیطالب (بالای جاده شنی جنوب کارخانه) رسیدند و در آنجا مستقر شدند. در همین حال توپخانه دشمن به شدت آتش می ریخت.

در ساعت ۲:۱۵ بامداد به این گردان دستور حرکت از کنار جاده شنی به طرف سه راهی داده شد. فرمانده گردان اجازه دو ساعت برای استراحت نیروها خواست که برادر احمد جواب داد: وقت نیست، هرچه سریع تر با لشکر علی بن ابیطالب هماهنگ کرده و به طرف سه راهی پیشروی کنید. این گردان در ساعت ۴ بامداد به سه راهی (تقاطع جاده استراتژیک و جاده شنی) رسید و بین نیروهای لشکر علی بن ابیطالب و لشکر کربلا، در مقری که سمت راست جاده استراتژیک بود مستقر شد. گردان قمر بنی هاشم قبل از استقرار در این مقر، یک پایگاه عقب تر دشمن را پاکسازی کرد.

امشب آتش توپخانه دشمن قطع نمی شد علاوه بر آن ۳ بار هر بار نزدیک یک ساعت آتش شدید با حجم خیلی وسیع در منطقه درگیری و روی خاکریزها اجرا کرد.

هم زمان با عملیات و صورت گرفتن الحاق، لشکر امام حسین (ع) از جاده اول به طرف جاده دوم و همچنین مهندسی لشکر کربلا از جاده دوم به طرف جاده اول شروع به احداث خاکریز کردند. کار مهندسی لشکر امام حسین (ع) سرعت بیشتری داشت ولی تاروشن شدن هوا هیچ کدام موفق به تکمیل خاکریز نشدند و از طرفی این دو خاکریز در امتداد یکدیگر نبود به طوری که خاکریز احداثی لشکر کربلا که بیشتر از یک کیلومتر نبود حدود ۷۰۰ متر بالاتر از خاکریز احداثی لشکر امام حسین (ع) بود که تقریباً ۲۰۰ متر با جاده دوم بیشتر فاصله

نداشت.

روز پنجم عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۵)

فرماندهان لشکرهای نجف و کربلا ساعت ۶ صبح در خط مقدم حضور یافته و در پشت خاکریزی که شب گذشته احداث شده بود، در نزدیکی جاده دوم مستقر شدند. حضور این فرماندهان باعث شد که تسلیحات مورد نیاز از جمله ادوات، موشک تاو و مالیوتکا، مینی کاتیوشا و همچنین دیده بانان توپخانه سریع تر در خط مستقر شده و موجب استحکام و تقویت خط شدند.

یگان ها هم به این صورت در خط مقدم آرایش یافتند: لشکر علی بن ابیطالب سمت چپ سه راهی، مسئولیت جاده دوم و سه راهی و مقداری از سمت راست جاده را لشکر نجف به عهده گرفت. در سمت راست لشکر نجف تعدادی از نیروهای لشکر کربلا مستقر شدند و بعد از آن تا جاده اول را لشکر امام حسین به عهده گرفت.

آتش دشمن که از شب گذشته قطع نشده بود، از اوایل صبح (حدود ساعت ۷) شدت گرفت و به دنبال آن در این محور (جاده دوم و سمت راست آن) پاتک های سنگین دشمن شروع شد و تا عصر سه بار ساعت های ۹ و ۱۲ و ۱۵ و هر بار شدیدتر از قبل پاتک کرد که با مقاومت و مقابله سخت بچه ها و آتش دور و نزدیک خودی مواجه شده و موفقیتی به دست نیاورد. پاتک های دشمن به این نحو بود که اول با اجرای آتش شدید توپخانه روی خط مقدم شروع کرده و سپس تانک ها و خودروهای زرهی روی جاده به سمت جلو حرکت می کردند و نیروهای دیگر دشمن هم که در پایگاه های پراکنده در دشت (سمت راست جاده) جلوی خط خودی مستقر بودند، با تیربارها شروع به فعالیت کرده و در پناه آن نیروهای پیاده^۳ و گاهی بانفریز از روی دشت به طرف خاکریز خودی می آمدند. از طرف دیگر توپخانه خودی با اجرای آتش و نیز سایر تسلیحات (ادوات، آر.پی. جی، تیربار، موشک ها) مستقر در خط مقدم، موجب انهدام، توقف و عقب نشینی زرهی و نیروهای دشمن می شد. در این بین آتش توپخانه که با دیده بانی دیده بانان در خط مقدم هدایت می شد، مؤثرتر از همه بود. همچنین شلیک

موشک های تاو و مالیوتکا موجب انهدام تانک ها و خودروهای زرهی دشمن می شد.

پاتک دوم دشمن که ساعت ۱۲ شروع شد، چنان سنگین بود (مخصوصاً آتش روی جاده و کنار آن) که فرمانده لشکر نجف و همراهان ناچار شدند از جاده فاصله گرفته و مقداری به طرف راست (در امتداد همان خاکریز خط مقدم) بروند. پاتک سوم (ساعت ۱۵) هم شدیدتر از آن بود، طوری که برادر احمد به خاکریز عقب تر (نزدیک یک کیلومتر عقب تر) که لشکر امام حسین (ع) در آن مستقر بود برگشت. تدارک خط و تخلیه مجروحان و شهیدان هم به علت شدت آتش دشمن، به وسیله خودرو زرهی (خشایار) صورت می گرفت.

برنامه ریزی ادامه عملیات

موقعیت نیروهای خودی مناسب تر شده است. سمت راست جاده دوم تا حدود سه راهی کارخانه نمک در تصرف نیروهای خودی است، در سمت چپ جاده هم دیواره جنوبی کارخانه نمک توسط لشکر علی بن ابیطالب شکافته و آب جاری شده است. دشمن تقریباً همه قوت خود را در محور جاده دوم و سمت راست آن گذاشته است. البته خاکریز مستحکمی نداریم و خط مقدم به علت ناقص و کوتاه بدون این خاکریز، به خوبی قابل پدافند نیست، هر چند رزمندگان اسلام با استفاده از آتش گسترده، سه پاتک شدید دشمن را امروز دفع کردند. ولی تشکیل یک خط مستحکم و قابل پدافند را همه فرماندهان ضروری می دانند.

در مذاکراتی که قبل از ظهر امروز (۱۳۶۴/۱۱/۲۵) بین برادران احمد و مرتضی و عزیز جعفری شد، نظر برادر مرتضی پیشروی به سمت دشمن تا جاده شنی (هدف مرحله چهارم عملیات) که از اواسط کارخانه در حد فاصل جاده اول و دوم کشیده شده، می باشد، ولی برادر احمد نظرش این بود که دشمن اینجائوان و نیروی زیادی گذاشته در نتیجه برای پاکسازی منطقه تا جاده شنی نیروی زیادی لازم است که موجود نیست. وی بیشتر بر تثبیت خط و تکمیل خاکریز تأکید داشت. برادر عزیز هم بیشتر نظرش تثبیت خط و تکمیل خاکریز به صورتی بود که از دشمن

جناح گرفته شود (نعلی شکل) و می گفت امشب خط را تثبیت کرده و فردا شب به دشمن حمله کنیم. البته به علت اصرار برادر مرتضی به پیشروی تاجاده شنی، تصمیم قطعی اتخاذ نشد و قرار شد برادر عزیز جعفری موضوع را با برادر محسن رضایی در میان گذاشته و تصمیم قطعی گرفته شود.

ساعت ۱۷ در جلسه ای با حضور فرماندهان لشکرهای این محور (نجف، کربلا، امام حسین و عاشورا) همچنین فرمانده قرارگاه نجف (برادر عزیز جعفری) درباره ادامه عملیات بحث شد که برادر عزیز در جواب برادر مرتضی که اصرار بر پیشروی تاجاده شنی را داشت، گفت: «شکی در این که ما باید هر شب پیشروی کنیم و زمین جدیدی از دشمن بگیریم نیست ولی این مسئله بستگی به چند عامل دارد: یکی اینکه آیا نیروی ما نامحدود است، ما از هر کدام شما بپرسیم می گویند نیرو نداریم. دیگر اینکه بهترین خط کدام است، اگر همین خط (خاکریزی که از سه راهی احداث شد) را به صورت پله ای در آوریم (که بتوانیم چند جناح از دشمن بگیریم) بهترین خط است.» بالاخره بعد از بحث طولانی که انجام گرفت، قرار شد که امشب، خاکریز مستقیم و تکمیل شود و منطقه هم تا کمی جلوتر از سه راهی و خاکریز پاکسازی شده و خط تثبیت گردد. به این منظور لشکر امام حسین (ع) احداث خاکریز از طرف جاده اول به طرف جاده دوم را به عهده گرفت و لشکر کربلا مسئولیت احداث خاکریز در ادامه خاکریز دیشب از طرف جاده دوم به طرف جاده اول را با کمک جهاد مازندران پذیرفت.

به دنبال تصمیم فوق فرمانده دو لشکر نجف و کربلا هماهنگ کردند که لشکر نجف پدافند خاکریز را به عهده داشته باشد و لشکر کربلا در جهت تأمین دستگاه های مهندسی که قرار است خاکریز بزنند، مقداری نیرو وارد عمل نمایند.

شب ششم عملیات

لشکر نجف در شب ششم مأموریت ادامه پدافند جاده دوم، سه راهی و قسمتی از سمت راست جاده یعنی جایی که از شب گذشته تاکنون گردان قمر بنی هاشم مستقر بود را به عهده داشت. همین گردان تا صبح به کمک ادوات، تانک و دیگر

تسلیماتی که از لشکر در خط مستقر بودند، پدافند را به عهده داشت. با وجود آتش شدید دشمن تا غروب آفتاب، در اوایل شب (تا ساعت ۲۱) اوضاع نسبتاً آرام بود ولی پس از این ساعت، آتش پر حجم دشمن دوباره شروع شد و تا صبح ادامه یافت در این شب لشکر امام حسین با وجود آتش شدید و پر حجم دشمن موفق شد که خاکریز شب گذشته را تکمیل کند.

روز ششم عملیات: ۱۳۶۴/۱۱/۲۶

صبح زود (ساعت ۶) یک گروهان (حدود ۸۰ نفر) تازه نفس از گردان حضرت رسول پدافند خط لشکر نجف را به عهده گرفته و گردان قمر بنی هاشم به پشت خاکریز عقب برگشت. برادر طاهری (فرمانده گردان قمر بنی هاشم) پس از برگشت از خط به برادر احمد گفت دشمن در گوشه (گوشه جنوب شرقی) کارخانه نمک پایگاه زده است و از روی جاده کنار کارخانه رفت و آمد می کند ما در پایگاه کنار جاده مستقر بودیم و دشمن در مقری روبه روی ما که ۱۵۰ متر بیشتر با ما فاصله ندارد مستقر بود. سمت راست نیروهای لشکر نجف، نیروهای لشکر کربلا و سمت چپ آن (سمت چپ جاده) نیروهای لشکر علی بن ابیطالب مستقر بودند.

مدت زیادی از استقرار گردان حضرت رسول در خط نگذشته بود که آتش دشمن شدت گرفته و دشمن پاتک خود را با تانک و زرهی و نیروی پیاده شروع کرد. برادر سیف الله که ساعت ۹ از خط بازگشته بود گفت:

دشمن گوشه سمت راست جاده، خط مقدم را شدیداً زیر آتش گرفته است. نیروهای پیاده دشمن در دو طرف جاده دوم مستقر شد و خمپاره ۶۰ می زنند، این گوشه خیلی ناجور است باید یک گردان تازه نفس در اینجا عمل کند (کمی جلوتر از سه راهی) و خاکریز محکم بزنند. برادر احمد در این باره به فرمانده قرارگاه نجف گفت: جای ما را عوض کنید محل بچه های ما قتلگاه است امروز دشمن چند بار دست به پاتک زد، مخصوصاً پاتکی که از حدود ساعت ۱۰ صبح شروع شد که به انهدام چند تانک و نفربر دشمن، با همت نیروهای خودی، متوقف گردید. مقابله ما با دشمن با تلاش نیروهای پیاده که دارای کلاشینکف، تیربار و

آرپی جی ۷ و چند تانک، همچنین ادوات و موشک های هدایت شونده هستند، انجام می شود. همچنین واحدهای توپخانه که با دیده بانی در خط هدایت می شد، روی دشمن اجرای آتش می کردند. ساعت ۱۱ صبح به علت شدت آتش توپخانه دشمن و اصابت چند توپ در نزدیکی سنگرهای تعجیلی (گودال بدون سقف) که فرماندهان لشکر نجف و کربلا در آن مستقر بودند، فرماندهان مجبور به ترک آنجا و استقرار در خاکریز بلندی که موازی جاده اول بود، شدند.

برنامه ریزی ادامه عملیات

در جلسه ای که ساعت ۹:۱۰ صبح با حضور برادران عزیز جعفری، مرتضی قربانی، احمد کاظمی و حسین خرازی تشکیل شد پس از بحث یک ساعته، قرار شد که امشب یک گروهان از لشکر امام حسین با کمک نیروهایی از لشکر نجف که در خط هستند، زیر امر لشکر امام حسین با پشتیبانی نیم ساعت اجرای آتش تهیه، به دشمن تک کرده و با ۱۰ لودر و بولدوزر، خاکریز خط مقدم را تکمیل و مستحکم کنند.

در جلسه ای که بعد از ظهر امروز در سایت موشکی جنوب شهر فاو با حضور محسن رضایی و کلیه فرماندهان یگان ها و قرارگاه های عمل کننده در عملیات والفجر ۸ تشکیل گردید، گزارش آخرین وضعیت منطقه عملیاتی داده شد که برادر احمد کاظمی ضمن گزارش خط لشکر نجف گفت:

«اگر امشب سه راهی حل نشود فردا خط سقوط می کند. ما با ۲۰ قبضه ادوات و خمپاره ریختیم روی دشمن و الا جلو می آمد. در این منطقه (سه راهی، جاده دوم و راست آن) کارها و فعالیت های دشمن عجیب است. امروز دشمن سه بار به خط بین دو جاده اول و دوم پاتک کرد، بعد از ظهر نفربر دشمن به پشت خاکریز رسید که بچه ها آن را عقب زدند.»

در این جلسه تصمیم گرفته شد که در محور جاده دوم خط فعلی تثبیت شود، به این صورت که با خاکریز نیم دایره ای شکلی که در جلوی خاکریز فعلی (خط اول) احداث می شود از دشمن جناح گرفته شود و همچنین خاکریز فعلی محکم تر و بلندتر شود. احداث خاکریز نیم دایره ای به عهده لشکر امام حسین (ع)

گذاشته شد که با استفاده از کمک دستگاه های مهندسی لشکر کربلا این کار را انجام دهد. همچنین قرار شد لشکر نجف خاکریز فعلی را تکمیل و محکم نماید.

شب هفتم عملیات

مأموریت لشکر نجف در شب هفتم تنها تکمیل و استحکام خاکریز خط اول در قسمتی که نیروهای این لشکر پدافند می کنند، بود. لذا مهندسی لشکر با پشتیبانی آتش ادوات و توپخانه این قسمت از خاکریز را تا کنار جاده آسفالت تکمیل و محکم نمود.

روز هفتم عملیات: ۱۳۶۴/۱۱/۲۷

صبح امروز مشخص شد که لشکر امام حسین شب گذشته موفق شده خاکریز نیم دایره ای را در جلوی خاکریز قبلی احداث نماید.

از صبح تا ظهر امروز منطقه آرام بوده و آتشی اجرانمی شد، ولی از ساعت ۱۳ دشمن شروع به اجرای آتش شدید کرد. اکثر حجم آتش روی خط اول بود طوری که تعدادی از نیروهای گردان حضرت رسول زخمی و شهید شدند، یک خمپاره ۸۱ منهدم شد و وانت غذا مورد اصابت قرار گرفت. این آتش شدید دشمن تا ساعت ۱۵ ادامه داشت و تانک هایش هم کمی جلو آمدند. بعد از کاهش یک ساعته حجم آتش دشمن، از ساعت ۱۶ باز مجدداً آتش شدید دشمن شروع شده و در ساعت ۱۶:۳۰ هم دشمن چند موشک زمین به زمین شلیک کرد. فرمانده لشکر نجف در ساعت ۱۸ در خط اول حضور یافت. در قسمتی از خط که نیروهای لشکر نجف مستقر بودند (سمت راست جاده استراتژیک) آتش دشمن خیلی شدیدتر از قسمت های دیگر بود. برادر گردانی از برادر احمد تقاضای نیرو می کرد که برادر احمد جواب داد «با همین نیرویی که دارید باید این خط را حفظ کنید و محکم نگه دارید، تا آخرین نفری که نیرو دارید باید خط را حفظ کنید.»

برنامه ریزی عملیات شب هشتم

بعد از ظهر امروز در جلسه ای با حضور برادران رحیم صفوی (نماینده قرارگاه خاتم)، عزیز جعفری (فرمانده قرارگاه نجف)،

غلامپور (جانشین فرمانده قرارگاه کربلا)، احمد کاظمی، مرتضی قربانی و چند نفر دیگر از فرمانده یگان‌ها تشکیل گردید، نظر و اصرار برادران صفوی و جعفری این بود که برای دستیابی به یک خط پدافندی مناسب پیشروی تا جاده شنی (حدود سه کیلومتر بالاتر از سه راهی سمت راست جاده استراتژیک) ادامه یافته و در آنجا خط پدافندی تشکیل شود، منتها به علت عدم توان برای رسیدن در یک مرحله به آن جاده، قرار شد امشب مثل شب گذشته با زدن یک خاکریز دیگر جناح بیشتری از دشمن گرفته شود و در مرحله بعد تا جاده شنی پیشروی شود. با این هدف قرار شد جناح چپ خاکریز مورد نظر توسط لشکر نجف و لشکر کربلا احداث شود و سمت راست را هم لشکر امام حسین بزنند. با حضور برادران عزیز، احمد و مرتضی و مسئولان مهندسی در ساعت ۱۷:۳۰ در خط مقدم و بررسی وضعیت دشمن از نزدیک، قرار شد خاکریزی به شکل امشب احداث شود به این صورت که قسمت چپ یعنی لشکر نجف و سمت راست یعنی لشکر کربلا با گذاشتن تعدادی نیروی تأمینی انجام دهند. برای این منظور جهاد اصفهان به لشکر نجف و جهاد نجف آباد به لشکر کربلا مأمور شده و هر یک نسبت به مأموریت خود توجیه شدند.

شب هشتم عملیات

طبق طرح پیش بینی شده، یک دسته نیرو از گردان قمر بنی هاشم برای تأمین برادران جهاد مأمور شدند و برادران جهاد سازندگی اصفهان هم که مسئولیت احداث قسمت چپ خاکریز را تحت امر لشکر نجف به عهده داشتند، از اوایل شب شروع به کار کرده و بدون اینکه درگیری عمده‌ای پیش آید یا آتش دشمن مزاحم کارشان شود، کار خود را به خوبی انجام دادند.

در قسمت مأموریت لشکر کربلا (سمت راست) دشمن با تیراندازی مزاحم کار می شد ولی سرانجام خاکریز پیش بینی شده، احداث شد.

در این شب آتش توپخانه دشمن از ساعت ۲۱ شروع شد و به تدریج شدت گرفته و به محل استقرار فرماندهی لشکر نجف در پشت خاکریز موازی جاده دوم که یکی دو کیلومتری خط مقدم

بود نزدیک می شد، طوری که حدود ساعت ۲۴ یک توپ روی خاکریز بالای سنگر برادر احمد خورد و خاک‌ها را داخل سنگر ریخت که وی ناچار آنجا را ترک کرد و به سوله لشکر امام حسین در همان نزدیکی رفت. آتش شدید توپخانه دشمن تا صبح ادامه داشت و توپ‌های زیادی در اطراف همان سوله به زمین می خورد، غالب برادران نظرشان این بود که دشمن با ردیابی بی سیم‌ها، سعی در اجرای آتش روی محل استقرار فرماندهان می کند.

روز هشتم عملیات: ۱۳۶۴/۱۱/۲۸

به علت تلفات و کاهش توان گروهبانی که از گردان حضرت رسول که در خط مقدم بود، قبل از طلوع آفتاب، نیروهایی که از گردان قمر بنی هاشم در پشت خاکریز اصلی بودند، به خط اول انتقال یافتند و جایگزین نیروهای گردان حضرت رسول شدند و این نیروها برای استراحت به پشت خاکریز اصلی رفتند.

حدود ساعت ۸:۳۰ قرارگاه خاتم خبر داد که امروز دشمن می خواهد با ۳ لشکر تازه نفس پاتک کند. ساعت ۹ صبح برادر قربانی که از خط مقدم بازگشته بود به برادر کاظمی گفت که نیروی شما در خط کم است و امکان رخنه دشمن از این قسمت زیاد است. در پی آن نیروهایی که از گردان حضرت رسول حدود سه ساعت قبل از خط مقدم به عقب بازگشته بودند، دوباره مأموریت یافتند که به کمک نیروهای گردان قمر بنی هاشم بروند.

از ساعت ۱۰:۳۰ آتش دشمن به تدریج شدت یافت، این آتش گسترده و پر حجم تقریباً همه خط مقدم و خاکریزهای عقب تر را می پوشاند. با گذشت ۱۵ دقیقه از زمان تشدید آتش، نفربرها و تانک‌های دشمن به طرف خاکریز خط مقدم هجوم آوردند و تا حدودی به خاکریز نزدیک شدند که با آتش تانک، ادوات، موشک‌ها، تفنگ ۱۰۶، آر.پی.جی ۷ و سلاح‌های سبک رزمندگان لشکرهای نجف، کربلا و امام حسین تلفات بسیاری به نیروهای دشمن وارد شد و تجهیزات بسیاری از آنها منهدم گردید که مجبور به عقب‌نشینی شدند، ولی آتش توپخانه دشمن همچنان با شدت ادامه داشت.

حدود ظهر باز قوای دشمن شروع به پاتک شدید کردند و با پشتیبانی آتش توپخانه و تانک‌ها، نفریرها و تجهیزاته‌ش به طرف خط مقدم هجوم آوردند، طوری که چند نفریر دشمن به جلوی خاکریز رسیدند که این بار هم با تلاش و مقاومت نیروهای ۳ لشکر مذکور، دشمن با تلفات بسیاری که به جا گذاشت، مجبور به عقب نشینی شد. تعدادی از نفریرهای دشمن به حدی نزدیک شدند که بچه‌ها آنها را با نارنجک منهدم کردند و عده‌ای هم اسیر گرفتند.

پاتک‌های دشمن تا ساعت ۱۳ ادامه یافت و آتش توپخانه دشمن تا ساعت ۱۴:۳۰ بدون وقفه اجرا می‌شد. عده زیادی از بچه‌ها زخمی شدند که بحمدالله با تدراک خوب و به موقع خط مقدم و تخلیه مجروحان با آمبولانس‌های سریع و متعدد، از تلفات زیاد جلوگیری می‌شد.

برنامه ریزی شب نهم عملیات

در نشست که ظهر امروز (۱۳۶۴/۱۷۲۸) با حضور برادران عزیز جعفری، احمد کاظمی، مرتضی قربانی، و مهدی کیانی (فرمانده تیپ انصارالحسین) انجام گرفت، با توجه به تدبیری که قرارگاه برای پیشروی تا جاده شنی داشت، مقرر شد که امشب تیپ انصارالحسین با دو گردان وارد عمل شود و چند مقر دشمن که در جلوی خاکریز خط مقدم وجود داشت را پاکسازی نماید و با پیشروی تا نزدیکی جاده شنی، احداث خاکریزی که خاکریز کنونی را به صورت هلالی به جاده دوم متصل کند، ممکن سازد. این خاکریز قرار شد که با همت جهاد اصفهان و کمک جهاد نجف آباد و به مسئولیت لشکر نجف و لشکر کربلا احداث گردد.

فرماندهان لشکر نجف و لشکر کربلا مخالف عملیات تیپ انصارالحسین بودند و دلیل آن را توجیه نبودن نیروها و فرماندهی این تیپ به منطقه عملیاتی و موقعیت دشمن ذکر می‌کردند، لیکن وقتی مأموریت این تیپ تصویب گردید، قرار شد که از نظر آتش و مشاورت با این تیپ همکاری کنند. در صحبتی که در ساعت ۱۷:۴۵ بین برادران احمد، مرتضی و کیانی شد، برادر احمد درباره عملیات امشب گفت:

«پاکسازی جاده (جاده دوم) با من نیست، جاده یک گردان نیرو می‌خواهد، من سه بار روی این جاده عمل کرده و تجربه کرده‌ام، دیگر نمی‌توانم نیرویم را برای این جاده بگذارم. این جاده محل مانور دشمن است، دشمن تعداد زیادی تانک روی جاده دارد. آقای کیانی حواست را جمع کن، از پشت به دشمن بزنی، در قرارگاه‌های دشمن در همه جهات تیربار و نیروی پیاده و تانک گذاشته است، مواظب باشید بیخودی بچه‌های مردم را به کشتن ندهید.»

در ساعت ۱۷:۳۰ برادر کاظمی به گردان انبیا (از لشکر نجف) که از چند روز پیش به منطقه عملیاتی آمده و در احتیاط قرار داشت، اعلام آماده باش داد.

برادر احمد مأموریت این گردان را به فرمانده آن (برادر نصر)، چنین ابلاغ کرد:

«نیروها را آماده کنید، نزدیکی غروب آنها را به خط منتقل کرده و خط را از برادر طاهری (گردان قمر بنی هاشم) تحویل گرفته آنها را آزاد کنید. پدافند و عمل روی این قسمت (قسمتی از سمت راست جاده دوم) به عهده شماست. بعد از مستقر شدن در خط، طبق دستور از سمت راست جاده به طرف جلو رفته و پاکسازی (مقر دشمن در نزدیکی خط کنونی) را عمود بر جاده شروع کنید و آماده باشید که فردا به خاکریز جدید رفته خط پدافندی را آنجا تشکیل دهید.»

برادر کاظمی مسئولان ادوات و توپخانه را به مأموریتشان یعنی اجرای آتش با حجم زیاد برای پشتیبانی از تیپ انصارالحسین، توجیه کرد. و همچنین جهاد اصفهان که مسئولیت احداث خاکریز را به عهده داشت، به مأموریتش توجیه شد.

شب نهم عملیات

فرمانده لشکر نجف در ساعت ۲۳ به واحدهای ادوات و توپخانه دستور شروع اجرای آتش روی دشمن را داد. آتش شدید دشمن نیز از لحظاتی پیش شروع شد. رزمندگان تیپ انصارالحسین نیز درگیری با دشمن را شروع کرده‌اند. این تیپ پس از گذشت نیم ساعت از شروع درگیری خبر داد که دشمن فرار کرده و نیروهایش به جاده رسیده‌اند. فرمانده تیپ

انصارالحسین از لشکر نجف خواست که با نیروهایش الحاق کند. در پی آن فرمانده لشکر نجف از سیف الله که در خط مقدم است می‌خواهد موقعیت را بررسی کرده و زودتر نیروهای گردان انبیا را برای پاکسازی دشمن بفرستد. برادر سیف الله خبر از آتش تیربارهای دشمن در همه جهات می‌دهد. برادر کاظمی در جواب برادر کیانی (فرمانده تیپ انصارالحسین) که خبر از دشمن فرار داده بود، گفت: «مواظب باشید، فرار تاکتیکی است، معلوم نیست پاکسازی شده باشد، جاده آسفالت را پایین و بالا بروید. خوب پاکسازی کنید. اینها (نیروهای دشمن) یک جا نشسته اند ساکت و منتظرند بچه‌ها بروند که آنها و دستگاه‌ها را به رگبار ببندند.» در ساعت ۲۳:۵۰ برادر کاظمی از برادر آقایی (از مسئولان واحد اطلاعات لشکر نجف) می‌خواهد که نیروهای گردان انبیا را خوب توجیه کند که آنها جلو رفته و از پشت به دشمن بزنند و چند بار به وی و فرمانده گردان انبیا تأکید کرد که بچه‌ها از روبه‌رو با دشمن درگیر نشوند، از پشت به دشمن بزنند. در همین حال علاوه بر فعالیت گسترده تیربارهای دشمن، آتش توپخانه دشمن روی خط مقدم شدت گرفت.

ساعت ۱ بامداد (۱۳۶۴/۱۷۳۰): در حالی که ۵۰ تن از نیروهای گردان انبیا از طرف خط لشکر کربلا (حدود ۵۰۰ متری سمت راست جاده)، ۶۰۰ متر در عمق (به طرف دشمن) رفته و از آنجا به سمت چپ منحرف شده و به طرف پشت قرارگاه دشمن (در کنار جاده) به پیش می‌روند، از برادران جهاد خواسته شد که خاکریز را شروع کنند و توجهی به نیروهای پراکنده دشمن نکنند. اما آنها از تیراندازی شدید دشمن و عدم امکان شروع کار خبر می‌دهند. برادر کاظمی به برادر قربانی می‌گوید: آن تیمی که قرار شد برادران جهاد را تأمین کند چه شد؟ وقت کم است و اگر خاکریز زده نشود، ماجرا (در دسر) داریم.

در ساعت ۱:۴۰ فرمانده لشکر نجف دستور اجرای آتش با تمام توان را به توپخانه و ادوات داد از فرمانده گردان انبیا خواست پاکسازی دشمن را سرعت دهد. از طرف دیگر برادر گلی (مسئول جهاد) با اظهار اینکه دشمن به طرف خاکریز می‌آید، درخواست بازگشت می‌کند. در پی آن به گردان انبیا گفته شد

تلاش خود را برای انهدام تیربارهای دشمن متمرکز کند تا احداث خاکریز ممکن شود برادر نصر جواب داد که دشمن در سراسر دشت پراکنده است و در یک محل متمرکز نیست. وی افزود که دشمن خیلی جاها مین گذاشته که بچه‌ها روی مین رفته‌اند.

در ساعت ۲:۳۰ بامداد وضعیت چنین گزارش می‌شود: پایگاه‌های دشمن در وسط دشت پاکسازی نشده و دشمن از بین دو پایگاه رخنه کرده و به طرف بچه‌ها می‌آید. تانک‌ها با چراغ روشن از روی دشت و نیروی پیاده دشمن از روی جاده به طرف نیروهای خودی می‌آیند. حدود ۵ دستگاه لودر و بولدوزر جهاد آسیب دیده و بچه‌های جهاد هم گرفتارند. دشمن کنار کارخانه نمک و جاده را مین‌گذاری کرده است، نیروهای خودی پراکنده و تعداد زیادی شهید یا مجروح شده‌اند. رزمندگان نیز چند تانک دشمن را منهدم کرده‌اند.

به دنبال اطلاع دقیق‌تر از وضعیت نیروهای خودی و دشمن و عدم امکان پیشروی و پاک‌سازی دشمن، برای جلوگیری از تلفات بیشتر تصمیم به عقب‌نشینی گرفته شد. به هنگام دستور عقب‌نشینی، تأکید زیادی بر آوردن شهدا و مجروحین شد. عملیات شب نهم در محور جاده استراتژیک که با دو گردان از تیپ انصارالحسین و یک گروهان از لشکر نجف آغاز شد. هدف آن پاکسازی دشمن و تصرف مقرهای او در وسط دشت و کنار جاده دوم و احداث خاکریزی که خاکریز قبلی را به جاده دوم متصل نماید، بود، اما بدون نتیجه و با تلفات زیاد مخصوصاً از تیپ انصارالحسین پایان یافت.

تعدادی از دستگاه‌های مهندسی جهاد نیز منهدم شده و تنها چند متر خاکریز زده شد. هر چند دشمن نیز تلفاتی وارد شد، لیکن قوای عراقی به دلیل استقرار در مقرهایی که دور تا دور آن خاکریز بود، با تیربارها و تانک‌ها بر منطقه مسلط داشتند و امکان تحرک را از نیروهای خودی سلب کرده بودند.

روز نهم عملیات: ۱۳۶۴/۱۱/۲۹

به دنبال عدم موفقیت در پاکسازی و تصرف مقرهای دشمن در نزدیکی خط، نیروها برگشته و پشت خاکریز خط مقدم از کنار

جاده استراتژیک، از چپ به راست نیروهای لشکر نجف، لشکر کربلا، تیپ انصارالحسین و لشکر امام حسین مستقر شدند.

طبق گزارش هایی که اوایل صبح از خط مقدم می رسد، دشمن در حال آرایش نیرو به قصد پاتک می باشد. همچنین فرمانده گردان انبیا نیز خبر داد که دشمن تانک های خود را مقدراری جلو آورده است. تا ظهر فعالیت دشمن محدود به اجرای آتش توپخانه بود و نیروها و تجهیزات دشمن در چند مقر پراکنده به فاصله های مختلف از خط مقدم مستقر بودند.

در ساعت ۱۳ دشمن با اجرای آتش شدید توپخانه و تانک و ادوات و با استفاده از نفربر قصد پاتک داشت که با آتش توپخانه و آتش سلاح های در خط رزمندگان مواجه و مجبور به عقب نشینی شد.

برنامه ریزی برای تثبیت خط پدافندی

فرمانده قرارگاه نجف ساعت ۱۰ صبح نزد فرماندهان لشکر نجف و کربلا آمد و مطرح کرد که خاکریزهای نامناسبی که در دو شب گذشته احداث شده، به صورت مستقیم درآید و در سمت راست جاده خاکریزی تا پایگاه دشمن کشیده شود و با احداث یک دژ محکم، جلوی آن آب انداخته شود و خط در همین جا تثبیت کرد.

فرمانده لشکر نجف: «خط ما را تحویل بگیرید، ما دیگر نیرو نداریم. مسئولیت خاکریز و عملیات دیگر به ماندهید. برای زدن خاکریز باید یک عملیات انجام گیرد. ما با یک لشکر از نیروی دشمن روبه رو هستیم. من یک پیشنهاد استراتژیک دارم، به جای اینکه خود را در دشت گرفتار کنیم، در کنار رودخانه از دشمن جناح بگیریم و دشمن را در دشت بزنیم.»

برادر عزیز جعفری: «پیشنهاد شما خوب است، منتهی باید اول روی این دشت جلوی دشمن آب انداخت، بعد برویم در طول رودخانه از دشمن جناح بگیریم.»

سرانجام تصمیم گرفته شد که امشب با اجرای عملیاتی، خاکریز اصلاح و دیواره کارخانه نمک شکافته شود تا جلوی خاکریز آب جاری گردد. لذا طی هماهنگی بین فرماندهان لشکر کربلا و لشکر نجف مقرر گردید که لشکر کربلا دشمن را در محور

جاده پاکسازی کرده و دیواره کارخانه نمک را بشکافد و لشکر نجف نیز خاکریز مورد نظر را احداث کند.

فشار دشمن در محور ام القصر

ساعت ۱۱ امروز خبر رسید که دشمن در محور ام القصر فشار زیادی گذاشته و پساتک سنگینی را شروع کرده است و تانک هایش جلو آمده اند. برادر کاظمی پس از اطلاع از این موضوع گفت: «باید زودتر بجنیم، اینجا اسلام در خطر است ممکن است مثل مسئله بدر^{۱۵} پیش آید، برویم زودتر کمک کنیم.»

وی به برادر قربانی پیشنهاد کرد: «من یا تو از اینجا آزاد شویم، برویم بالا (محور ام القصر) کمک بدهیم.»

در پی آن فرماندهان لشکر نجف و کربلا به قرارگاه نوح^{۱۶} رفتند و به برادر رحیم صفوی که در آنجا حضور داشت، گفتند ما حاضریم هر کدام لازم باشد به محور ام القصر بیاییم. برادر رحیم با ابراز خوشحالی و رضایت از این پیشنهاد، به فرمانده لشکر کربلا گفت که همه ادوات خود را به محور ام القصر آورده و با کمک نیروهای حاضر در آنجا دشمن را دفع کنید.

شب دهم عملیات

برنامه ریزی و امکانات لازم برای آب انداختن و تثبیت خط آماده شد، ولی از عصر روز نهم (۱۳۶۴/۱۷/۲۹) با بارش شدید باران زمین منطقه باتلاقی شد طوری که امکان فعالیت دستگاه های مهندسی برای احداث خاکریز در این شب منتفی گردید.

دشمن در این شب تلاش کرد با تانک ها و تجهیزاتش از روی جاده به خط مقدم نزدیک شود، که موفق به این کار نشد.

تثبیت خط مقدم در محور فاو بصره (جاده دوم)

هوای صاف و آفتابی روز دهم عملیات (۱۳۶۴/۱۷/۳۰) موجب تبخیر مقداری از آب باران شب گذشته شد و امکان فعالیت دستگاه های مهندسی برای شب فراهم گردید، لذا شب یازدهم عملیات لشکر نجف با تعدادی لودر و بولدوزر مأموریت خود یعنی اصلاح خاکریز مقدم که وضعیت نامناسبی داشت، را شروع کرد. در حالی که امنیت دستگاه های مهندسی را دو دسته

از نیروهای گردان انبیا برقرار کردند، خاکریز خط مقدم تکمیل و هموار گردید.

رزمندگانانی که در این شب مأمور تأمین امنیت نیروها و دستگاه‌های مهندسی بودند، متحمل تلفات زیادی شدند و از دو دسته فوق ۱۵ نفر به عقب برگشتند و بقیه بر اثر آتش دشمن شهید یا اسیر شدند. ۸ تن از شهدایی که در این شب جا مانده بودند، عصر روز بعد (۱۳۶۴/۱۲/۱) به عقب آورده شدند.

برای تأمین خط پدافندی یک گروهان دیگر از گردان انبیا در ساعت ۵ صبح روز ۶۴/۱۲/۱ به دیگر نیروهای گردان انبیا در خط مقدم پیوست.

با تکمیل و هموار شدن خاکریز خط مقدم، آب اندازی جلوی آن میسر شد، لذا در شب دوازدهم عملیات (۱۳۶۴/۱۲/۱) عرض جاده استراتژیک فاو بصره حدود ۳۰ متر جلوتر از خاکریز با استفاده از مواد منفجر شکافته شد و هر چند که به علت عمق کم آب در دریاچه نمک، سرعت آب کم بود ولی به تدریج آب در جلو خط از غرب به طرف شرق جاری شد و به این ترتیب امکان نزدیکی تجهیزات زرهی و نفربرهای دشمن به خط مقدم منتفی گردید و آب بین نیروهای خودی و دشمن در این محور حائل شد.

در روزهای بعد با تأکید فرمانده لشکر نجف و با تلاش نیروهای جهاد سازندگی، پشت خط مقدم و به فاصله کمی از آن دژ مستحکمی به عنوان خط پدافندی دائمی احداث گردید و در پی آن، ساختن سنگرهای دائمی و دارای سقف محکم (توسط الوار، گونی و یاسوله) به سرعت شروع شد و علاوه بر استقرار نیروی پیاده، تانک‌ها و ادوات و موشک‌ها پشت این خاکریز مستقر شدند و خط پدافندی قابل اطمینانی به وجود آمد.

یاس دشمن از محور وسط و فعالیت در کارخانه نمک

با توجه به جاری شدن آب در جلوی خط مقدم (جاده دوم و سمت راست آن) دشمن فعلاً از نفوذ در این محور مأیوس شد و با استقرار حدود ۸۰ تانک و ۳ گردان نیرو در پشت جاده شنی و پر کردن مقرهای پراکنده بین خط خودی و جاده فوق سعی در جلوگیری از نفوذ بیشتر نیروهای اسلام در این محور دارد. از

طرف دیگر تلاش خود را برای نفوذ از طریق دژهای کارخانه نمک شروع کرد. فرمانده لشکر نجف که ظهر روز شنبه ۱۳۶۴/۱۲/۳ از خط مقدم دیدن کرده بود، وضعیت خط را تشریح کرد: «دشمن آب را بسته و سرعت آب پشت خاکریز خط مقدم خیلی ناچیز است. دشمن روی ضلع شرقی کارخانه (موازی و نزدیک جاده دوم) آمده و سعی دارد از طریق جاده (دژ) وسط کارخانه به طرف محور ام‌القصر برود.»

بعد از آن برادر عزیز جعفری با دادن خبر حرکت دشمن از طریق کارخانه به طرف خط لشکر علی بن ابیطالب، از برادر کاظمی خواست که نیروهای دشمن را در این مسیر زیر آتش بگیرد که برادر احمد در جواب گفت: «خودم خبر دارم، اینها از پشت دیوار دریاچه نمک به طرف بالا می‌روند و در معرض تیربار ما قرار ندارند، لشکر علی بن ابیطالب باید آنها را بزند.» البته در پی این درخواست فرمانده لشکر نجف به همه نیروهای خود اعم از تانک، ادوات و موشک و نیروی پیاده دستور داد که با همه توان و به هر وسیله ممکن نیروهای عراقی را روی جاده فاو بصره زیر آتش گرفته و از نفوذ دشمن به داخل دریاچه و کارخانه نمک جلوگیری کنند.

آتش‌بازی دشمن

نیروهای دشمن با غروب آفتاب روز ۱۳۶۴/۱۲/۳ (حدود ساعت ۶:۴۵) شروع به تیراندازی پر حجم به طرف آسمان کردند. این تیراندازی که با حجم خیلی زیاد و با همه سلاح‌های سبک انجام می‌شد، حدود نیم ساعت ادامه یافت و بیشتر به آتش‌بازی شبیه بود که گفته می‌شد این کار با هدف تضعیف روحیه رزمندگان اسلام و تقویت روحیه شکست خورده خودشان می‌باشد.

جمع‌بندی

لشکر نجف با ورود به منطقه درگیری از مرحله دوم عملیات (روز اول: ۶۴/۱۲/۲۱) و به کار گرفتن ۵ گردان پیاده و به تعداد بیشتری (از نظر نفرات) نیرو و واحدهای پشتیبانی، طی ۱۲ روز عملیات پی در پی (تازمان تثبیت خط ۶۴/۱۲/۲) و مقابله با قوای دشمن (که غالباً تیپ‌های پیاده، مکانیزه و تانک گارد ریاست جمهوری ارتش عراق بودند) در محور وسط (جاده استراتژیک

فاو بصره) با همکاری و کمک لشکر کربلا، موفق گردید هدف مرحله سوم عملیات والفجر ۸ را تأمین نماید و با احداث خاکریز با همکاری یگان های رزمی و واحدهای مهندسی سپاه و جهاد سازندگی، خط را در این محور (حدود سه راهی کارخانه نمک) تثبیت کرده و قسمتی از پدافند آن را به عهده گیرد.

طی مدت عملیات، هر یک از گردان های پیاده لشکر نجف، که به جز یک گردان سه گروهانه بقیه دارای چهار گروهان بودند، دو تا سه بار در عملیات شرکت کردند و پس از هر عملیات به پشت خاکریز عقبه بازگشته و با سازماندهی مجدد و استراحت مختصر، دوباره وارد منطقه درگیری و مقابله با دشمن می شدند.

غنائم

در طول عملیات مقداری غنائم از دشمن به دست نیروهای لشکر نجف افتاد، از جمله ۸ دستگاه تانک (۴ دستگاه آن تانک پیشرفته تی ۷۲ بود)، تعدادی سلاح ضد هوایی و سلاح های انفرادی و مقداری مهمات، که غالباً در منطقه عملیاتی به کار گرفته شد. فرماندهی لشکر نجف به واحدهای مختلف پشتیبانی از جمله موتوری و زرهمی تأکید کرد که قبل از اینکه امکان انتقال تانک و خودرو به غرب اروند ایجاد شود، تانک ها یا خودروهای باقی مانده دشمن را آماده و یا تعمیر کرده و برای پشتیبانی عملیات به کار گیرند.

در این عملیات فرمانده لشکر نجف ضمن جلوگیری از انتقال غنائم به عقب، با یگان هایی که سعی در این کار داشتند، با ناراحتی برخورد می کرد.

قوت های عملیات در محور وسط

۱- عملیات دائمی، مقابله مداوم با دشمن و مهلت ندادن به او، از شروع عملیات تا تثبیت خط.

۲- حضور دائمی فرمانده لشکر در خط مقدم و یا نزدیکی آن و بررسی و شناسایی منطقه درگیری و محل مأموریت گردان ها، قبل از واگذاری مأموریت به آنها.

۳- هماهنگی کامل فرماندهان دو لشکر نجف و کربلا، همکاری با یکدیگر و فرماندهی و تصمیم گیری مشترک در مورد عملیات در محور جاده استراتژیک فاو - بصره.

۴- برخورداری از آتش پر حجم، مؤثر و هدایت شده توپخانه، ادوات، خمپاره و ضد زره.

۵- احداث خاکریز به محض پاکسازی هر منطقه و سعی در تقویت و دو جداره کردن خاکریزها.

۶- برخورداری لشکر نجف از امکانات نسبتاً خوب انتقال نیرو (قایق) و وسایل سنگین (سطح های شناور و کشنده).

ضعف های عملیات در محور وسط

۱- حضور نه چندان فعال قرارگاه کربلا در روزهای اول عملیات از یک طرف و عدم هماهنگی فرماندهان دو لشکر نجف و کربلا با قرارگاه.

۲- از دست دادن فرصت در شب دوم عملیات که به احتمال زیاد دستیابی به هدف مرحله چهارم عملیات را ممکن می کرد.

۳- بی توجهی به راهنمایی قرارگاه در روزهای دوم و سوم عملیات مبنی بر پیشروی نیروهای دو لشکر نجف و کربلا از جاده ام القصر به طرف کارخانه نمک و حمله و محاصره دشمن از این طریق، که به دلیل طولانی بودن مسیر، از همان جاده دوم انجام شد.

۴- بسیاری از نیروهای گردان های پیاده برای اولین بار به جبهه اعزام شده بودند، لذا آموزش و تجربه کافی نداشتند.

یادداشت‌ها

۱- منطقه فاو دارای سه جاده اصلی و مهم بود که محورهای اصلی عملیات حول همین جاده‌ها تعیین شده بود. نزدیک‌ترین جاده که تقریباً موازی اروندرود بود، جاده فاو البحار نام داشت که به آن جاده اول یا جاده البحار نیز گفته می‌شد. جاده وسط جاده فاو بصره بود که به آن جاده استراتژیک یا جاده دوم نیز گفته می‌شد و بالاخره جاده سوم که جاده فاو ام‌القصر نام داشت.

۲- به علت کمبود ورق‌های پلیت برای ساختن سوله، برادر احمد دستور داد که پلیت‌هایی که در پایگاه‌هایی لشکر به کار رفته، باز شود و در اینجا استفاده شود.

۳- به نظر می‌رسد از جمله دلایل این مسئله این باشد که در عملیات‌های گذشته چون لشکر نجف غالباً خط شکن بوده و قبل از عملیات خط‌شکنان شهادت خود را حس می‌کردند و دیگر بچه‌ها هم شهادت را در چهره آنها شاهد بودند، چنین روحیه‌ای حاکم می‌شده است (لشکر نجف در این عملیات خط شکن نبود).

۴- لشکر حضرت رسول و لشکر علی بن ابیطالب مأموریت داشتند که از محور جاده ام‌القصر پیشروی کرده و از جاده انشعابی به طرف تأسیسات جنوب غربی کارخانه نمک که مقر یکی از لشکرهای عراقی است رفته و دشمن را از این منطقه پاکسازی کنند.

۵- همان‌طور که گفته شد دو لشکر حضرت رسول و علی بن ابیطالب مأموریت داشتند که از جاده ام‌القصر پیشروی کرده و از جاده انشعابی به طرف جنوب و پایین کارخانه نمک رفته، به طوری که نیروهای دشمن در پایین کارخانه نمک در محاصره قرار گیرند.

۶- البته در این مورد اقدام شده بود و از گردان تعاون رزمی و اورژانس درخواست انتقال مجروحین شده بود، ولی آمبولانس‌ها غالباً یا راه را گم کرده و یا در اثر شدت آتش دشمن امکان نزدیک به خط را نداشتند.

۷- برادر حاج بصیر فرمانده گردان یار رسول بعد از بازگشت از خط گفت: دیشب بچه‌ها مهماتشان تمام شده بود، عراقی‌ها با تانک عقب بچه‌ها کردند. (نوار ۱۷ لشکر نجف)

۸- تانک‌ها غالباً روی جاده حرکت می‌کردند.

۹- طبق نوشته راوی لشکر کربلا در گزارش این لشکر «فرماندهان این گردان قصد داشتند خود را بیشتر به دشمن نزدیک کنند لذا از شروع درگیری خودداری می‌کردند و فرمانده لشکر کربلا نیز این شیوه را پسندیده و برادران را در این جهت راهنمایی می‌کرد.» علاوه بر آن لشکر امام حسین هم که قرار بود هماهنگ با دو لشکر نجف و کربلا، شروع کند تا ساعت ۲۳:۱۵ با دشمن درگیر نشد. عدم درگیری هماهنگ ۳ لشکر موجب تمرکز آتش دشمن بر روی گردان چهارده معصوم (لشکر نجف) شد طوری که دشمن با مقابله و درگیری در یک محور، اول این گردان را زمین گیر و منهدم کرد و سپس با گردان لشکر کربلا درگیر شد و تلفات زیادی هم به این گردان وارد کرد. در صورتی که درگیری هماهنگ ۳ لشکر مخصوصاً لشکر امام حسین (ع) که فاصله بیشتری با نیروهای دو لشکر نجف و کربلا داشت، می‌توانست آتش و توان دشمن را تجزیه کرده و دشمن را هم‌زمان در ۳ محور درگیر کند که موفقیت بیشتر و سریع‌تری به دنبال داشت و در کل تلفات کمتری را متحمل می‌شدیم.

۱۰- فرمانده لشکر یعنی برادر احمد در اثر خستگی زیاد، دراز کشیده بود. هر چند اینجا یعنی سنگر تعجیلی بدون سقف که با دست توی خاکریز کنده آورده بود و دائم توپ‌ها و دیگر آتش‌های دشمن در اطرافش فرو می‌آمد، محل استراحت نبود و علاوه بر آن هر چند دقیقه یکبار برای کاری و مشورتی او را صدا می‌زدند، ولی شدت خستگی به برادر احمد اجازه سرپا ماندن و چشم باز کردن نمی‌داد.

۱۱- بی‌سیم چی فرمانده لشکر می‌گفت که برادر جمالی معمولاً خیلی کم تماس گرفته و بیشتر تلاش در رسیدن به هدف می‌کند

و عاداتی به شلوغ کردن در بی سیم و اظهار مشکلات و عدم توانایی ندارد.

۱۲- با شروع اسارت نیروهای دشمن در امروز، مشخص شد که دشمن زبده ترین و کارآمدترین نیروهای خود یعنی گارد ریاست جمهوری را برای بازپس گیری منطقه آزاد شده به کار گرفته است.

۱۳- این گردان ظهر روز گذشته در مقر لشکر (شرق اروند) نهار خورده و به طرف منطقه عملیاتی حرکت کرد و شب گذشته هم در منطقه غذایی به آن نرسیده بود.

۱۴- جلو آمدن افراد پیاده دشمن با وجود آتش شدیدی که روی آنها بود، نشان دهنده فشار شدید فرماندهانشان بر آنها می باشد و گر نه نیروهای دشمن خود به خود دارای چنین شهامتی نبودند. دفترچه اول، یادداشت های راوی صفحه ۱۸۸.

یادداشت های راوی دفترچه دوم صفحه ۱۱.

۱۵- در عملیات بدر با وجود پیشروی رزمندگان اسلام تا رودخانه دجله، به دلیل تثبیت نشدن خط خودی و پاتک های سنگین و پی در پی دشمن، رزمندگان ناچار به عقب نشینی شدند. ۱۶- محور ام القصر در مسئولیت قرارگاه نوح بود.